

ريلم

سال دوم / شماره پنجم  
فصل نهمه پاییز ۱۴۰۶

پسر بندی پرستاری و مهندسی سیل و احتباس و هدفمند

سه رهه لده

شهر بکه  
ریهه رتی  
عاز اد بکه



# ژلمهو

سال دوم / شماره پنجم  
فصل نامه زمستان ۱۳۹۶  
نشریه اندیلوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

سازمان امنیتی زبان و فرهنگ

Jilemo.govar@gmail.com

آگرچنانچه در اصل اینجا «زنده» دیدگاه کردانگان نیست.  
لحریره حق از خاک وورزش آغاز برپی خودش محفوظ من دارد  
منتظر گار، نظرات و انتقادات شما هستیم.



YEKİTİYA JİNEN CIWAN



# فهرست

خاورمیانه، عرصه‌ای برای عملی کردن سیاست‌های دولت‌های بین‌المللی است. در این عرصه هر سیستم خواهان حاکمیت سیاست‌های از پیش تعیین شده خود می‌باشد، برای عملی کردن آن از هر ترفندی استفاده کرده و به راهکارهایی که بدور از هرگونه معیارهای اخلاقی و انسانی است دست می‌زنند. خاورمیانه عرصه درگیری‌های ایدئولوژیک، رقابت‌های اقتصادی و حاکمیت‌های فرهنگی می‌باشد. سیستم سرمایه‌داری تنها سیستمی است که در قام این عرصه‌ها پیشتر از کند و دارای نقش برجسته می‌باشد. این سیستم خواهان تغییر جهت تمام سیستم‌های فعال موجود در خاورمیانه حول محور منافع و مصالح سرمایه می‌باشد. در این راستا از عملی کردن هر گونه سناریویی، حتی اگر به نابودی ملت، فرهنگ و یا نژادی منجر شود، اجتناب نمی‌نمایند. یکی از اهداف سیستم‌داری سرمایه به رهبری آمریکا در خاورمیانه، حاکمیت برخلق کرد است. تا از این طریق بتواند برکل خاورمیانه حاکم شود. همانگونه که دیدیم در عراق از کردها برای سرنگونی رژیم عراق استفاده کرد. در سیاست آمریکا کرد تنها ابزار سیاسی برای عملی کردن آمالها و اهداف استعماری در خاورمیانه است. آمریکا از راه دادن مقام و ثروت به بعضی از اقسام مزدور واقع در کردستان خواهان آن است که استقلال آن بخش از خلق کرد که با اراده و با پشتوانه میلیونی خلقي، که در راه آزادی خود مبارزه می‌کند، از آنها بگیرد. از راهکار فشارهای سیاسی، اقتصادی و یا دادن امتیازاتی به رژیم‌های اشغالگر کردستان، هرچند خواهان براندازی آنهاست به منظور حاکمیت و استفاده ابزاری از آن جنبش‌هایی که پیشاپنگی این مبارزات میلیونی را می‌کند، استفاده می‌کند.

جنبش جوان PKK به رهبری رهبر آپو در طول مبارزات چهل ساله خود با عملی کردن متدهای مبارزاتی معاصر که می‌تواند جوابگوی مسائل و مشکلات جوامع بشری بالاخص جامعه کرد باشد، وارد میدان مبارزه شده و در این راه به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته است. بیشترین قشری که در این مبارزات مشارکت جسته‌اند، قشروحیل کرده جوان می‌باشند. جنبش را قشروحان تشیکل داده و هزارها جوان در صحنه‌های مختلف مبارزه جایی گرفته‌اند. براساس همین تشکلات مبارزاتی، سازماندهی KCR تأسیس شده و در این راستا به پیشرفتها و تجربیات قابل ملاحظه‌ای رسیده است. KCR در راستای مبارزات خود شهادی تقدیم این راه کرده، برای رسیدن به آرمانهای این شهیدان و ادامه راه آنان مبارزات خود را هر چه بیشتر به پیش می‌برد. شهیدانی همچون؛ آرگش، اردا، فراشین و ... که میراث داران راه آزادی و رهروان خط‌مشی رهبر آپو هستند برای عملی کردن راهشان، به نتیجه رساندن این امرخطیر، بارمسؤلیتمان را صد چندان کرده‌اند. برای رسیدن به آزادی و پیان دادن به تمام این ظلم و ستمها که از طرف ذهنیتها و رژیم‌های مترجم حاکم بر کردستان اعمال می‌شود، در سرتاسر کردستان سومین حمله کاری "به پاخیز" به مرحله اجرا گذاشته می‌شود، هزاران کردستانی از زن، کوک، پیر و جوان در این حمله مشارکت به عمل آورده‌اند. ما هم به مثابه KCR با این گفته رهبر آپو که: "با جوانی آغاز کردیم و با جوانی هم پیروز خواهیم شد". تمام جوانان را به مشارکت در این حمله فرا می‌خوانیم، تا به تمام سعی خود با شعار آزادی برای رهبر آپو مثل همیشه در عملی کردن این فرامینکه شهیدانمان با دادن خونشان به تمامی عدالتی گفته‌اند "به پاخیز". ما هم وظیفه‌مان را در این راستا به عمل بیاوریم.

۷	تحلیل رهبری
۹	جهان وئرکی سه‌رمه‌لدان (فه‌رزاد تاریز)
۱۲	سیاست رژیم جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جوانان (مظلوم هفتمن)
۱۷	بازنده‌ی شهربنی تاییه‌تی داگیرکه‌ران به فه‌لسه‌فهی ریبه‌ر ئاپو ژیکده‌دریت (ئامه‌د شاهو)
۲۲	گریلا بووین گه‌وره‌ترین چالاکی له‌به‌رامبهر دووژمنه (روهات رۆوار)
۲۵	گه‌نجیه‌تی گه‌پان به دوای شوناسدا خنکان له په‌راویزدا (شاخه‌وان کویستانی)
۳۱	ژن ورگه‌زپه‌رەستی له ئیران و رۆزه‌لاتی کوردستان (قیان جاف)
۳۳	آرمان شهر من (سمکودجله)

۳۷	Bi rihê ciwanên têkoŞer serî hilde (EZDA BARAN)
۴۱	Jinêñ ciwan bi parastina cewherî serî hildidin SOZDAR FARASİN.

# تحلیل رهبری

در سی و یکمین سالگرد پایه‌گذاری(پ.ک.ک) ضرورت تحلیلی فرآگیر انتقاد و خود انتقادی و تجدید ساختار مسئله‌ای حاد و وظیفه‌ای اساسی می‌باشد.

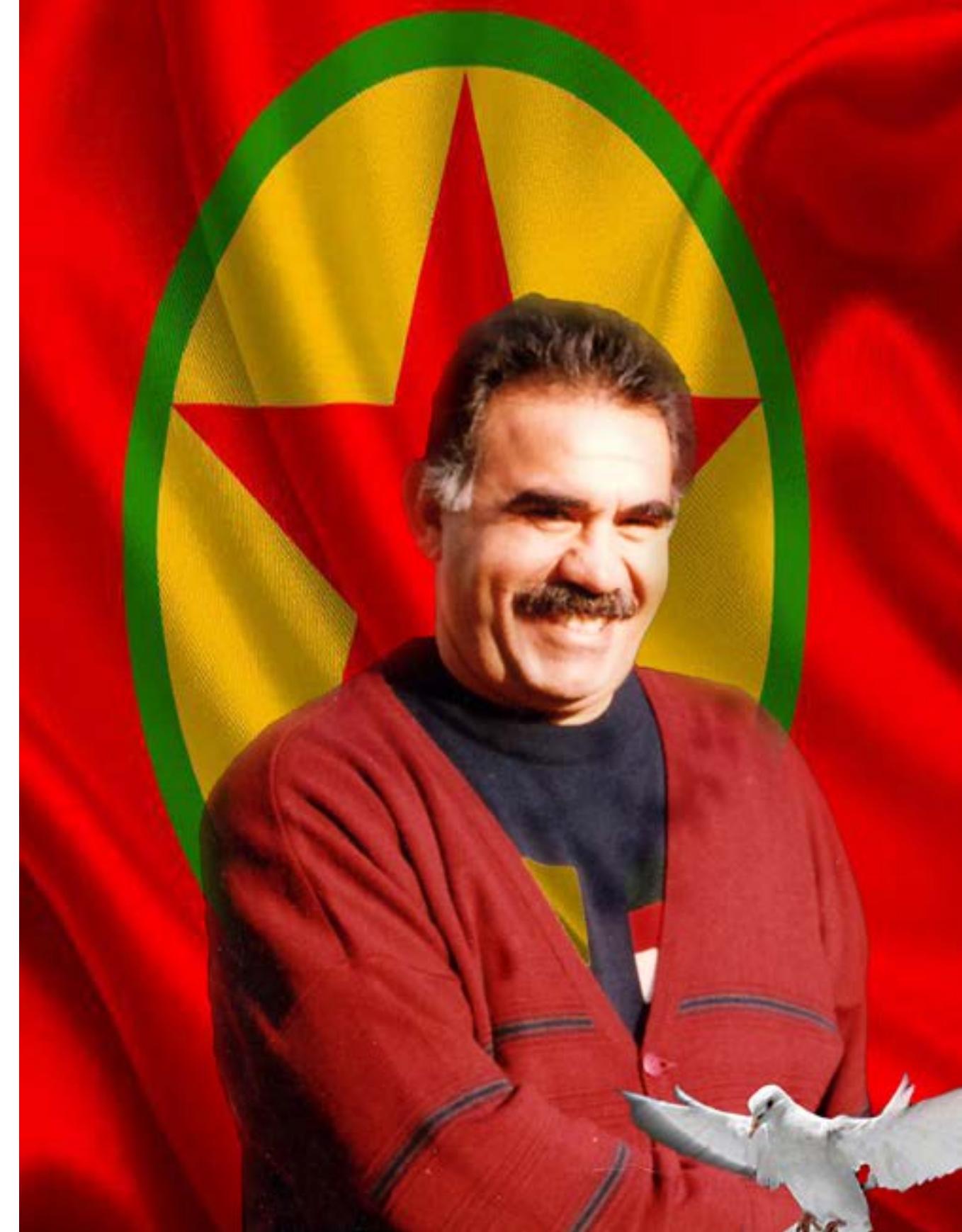
در ماه آوریل سال ۱۹۷۳ گروهی ناراضی شش نفره که حتی نمیتوان آناتور هم نامید، در سواحل سد چوبوک در آنکارا دور هم جمع شدیم گاهی وقت ها سر پا بودیم و گاهی وقت ها نشسته؛ تصمیم گرفتیم اگر به عنوان گروهی که هدف ایجاد کردستانی مستقل درسر دارد حرکت کیم صحیح تر خواهد بود. علت آن هم نتیجه‌ای بود که در اثر تحقیقات به آن دست یافته بودیم مبنی بر این که کردستان سرزمینی مستعمره است. برای اولین بار توسط گروهی شش نفره و به طور دسته جمعی این را به عنوان رازی افشا کرده بودیم و اینچنین به حرکت افتدا ایم. تحول شیوه‌ی تحلیل یک به یک حقایق به شیوه‌ی بیان آن به طور دسته جمعی را میتوان به عنوان سر آغازی در نظر گرفت. این شیوه‌ی تحلیل زمینه را برای سازماندهی فراهم میکند. دوره‌ی سال‌های ۱۹۷۴-۷۵-۷۶ دوره‌ی رشد و گسترش گروه در زیر سقف(ADYOD-دفتر آموزش عالی و دموکراتیک آنکارا) بود.

سفر من در سال ۱۹۷۷ از آنکارا به کردستان و برگزاری جلسات منطق آگری، دوغوبایزید، قارص، دیگور، درسیم، بینگول، العزیز، دیاربکر، راورفا و عنتاب به معنای راهیابی و انتقال گروه به کردستان بود. بعد از این به آنکارا برگشتم شهادت رفیق حقی قرار در عنتاب-سه روز بعد از جلسه-تأثیر شوک دهنده‌ای نمود. جوابی که به این داده شد گام برداشتن در راستای تأسیس حزب بود. در آخر همان سال پیشنویس برنامه را در عنتاب آماده کردم.

روز ۲۷ نوامبر در روستای فیس از توابع دیاربکر با گروه ۲۵ نفره آماتورمان بر تأسیس حزب پیمان بستیم. با پی بردن به این که تحت عنوان حزب نمیتوان در شهرها زیاد برد به ضرورت بکارگیری هم کوهستان و هم خاورمیانه به عنوان مرکز مبارزه واقف شدیم بسان هجرت دوم حضرت ابراهیم در روز ۱ می ۱۹۷۹ از اروفا به سوریه و از آنجا به سرزمین کنعان جهت جسجوی آزادی در این راه گام برداشتیم.

تصمیم بر تأسیس سازمان تشکیلاتی مستقل در بهار ۱۹۷۳ در آنکارا صرف نظر از وجود با عدم وجود امکانات این کار به لحاظ معنایی که در برداشت حائز اهمیت بود. این گرایش نه گرایش ملی گرایانه ابتدایی کرد و نه یک گرایش چپ سوسیال شوونی با ماهیت ملی گرایی ترک بود بلکه بر اساس تاریخ و تفسیر خاص خود از اوضاع روز جهش به عنوان "انقلابی های کردستان" مناسبتر بود. این کار به لحاظ خطمشی یک تغییر و تحول بود و اهمیت آن روز به روز نمایان تر میگشت. این حرکت و گرایش از لحاظ ایدئولوژیک در درون گرایشات سلطه گرانه ملت حاکم و دنباله ملت-اقتدارهای سلطه‌گر یعنی گرایشات ملی گرایی ابتدایی کردهای مزدور ذوب نمیشد و از لحاظ سیاسی با به دست گرفتن ابتکار عمل موجب دست یابی به هویتی آزاد می‌گشت. به صحت این ترجیح و انتخاب اعتقاد دارم. از ویژگی ای برخوردار بود که میتوانست کردها و در نتیجه آن دیگر خلق‌ها را به میزان مشارکت‌شان در حرکت برای رسیدن به هویت خلق آزاد بدون گرفتار آمدن به جاذبه‌ی ملی گرایی سرکوبگر-سرکوب شده و انحرافات سوسیالیسم رئالیستی-رهایی ملی و سوسیال دموکرات‌ها که تبدیل به مذاهب نظام سرمایه‌داری شده بودند ضامنی به جا و به موقع بود به اندازه‌ای که تحول ذهنیت جدیدی بود به همان اندازه هم زمینه را برای سیاست دمکراتیک فراهم میکرد.

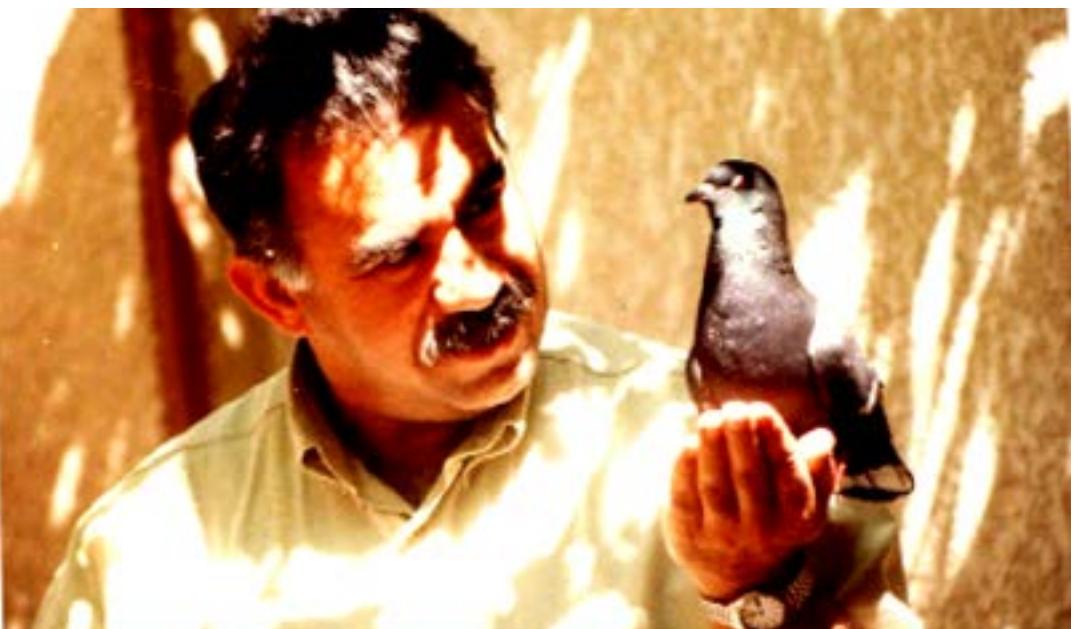
هیچ وقت به این امر شک نکردم که(پ.ک.ک) به منزله‌ی میلاد است. اما به این موضوع کاملاً پی نبردم که فرد کرد از یک طرف بسیار متضاد بی ارزش و درمانده میباشد و در طرف دیگر می‌تواند درستکار طرفدار خطمشی فدکار و قهرمان باشد. تحلیلات زیادی راجع به شخصیت انجام دادم اما نمیتوانم بگویم که آن را به تمامی فهمیده‌ام و یا تحلیل کرده‌ام چون به میزان بسیار زیادی از "خویشتن خویش" دور گردانیده شده بود. هرچند که در ظاهر کرد می‌گفود اما در اصل به دیگر تبدیل شده بود، هرگز متوجه بعد خیانت هم نبود. نه قوانین انسانی شامل حال او می‌شدند و نه قوانین حیوانی. گویا نقش



سومین نوع موجودات زنده را بازی می کرد.

تفسی که من در ظهور(پ.ک.) بازی کردم جنبه‌ی ذهنیتی آن برجسته بود.اما تجزیه و تحلیل کرد و جامعه چه به عنوان یک فرد چه به لحاظ منبع منعکس کننده‌ی کرد بر اساس تئوری های اجتماعی موجود علی‌رغم تمامی آزمون‌هایم از نواقص و اشتباهات رهایی نیافت.از همان ابتدا یعنی در سال ۱۹۷۵ خطاب به محمد خیری دورموش زرتشت وار شروع به طرح اندیشه‌های خود در مورد امپریالیسم و استعمارگری نموده بودم.این تحلیلات احتمالاً اکنون هم در دست باشد بدون این که چیزی از اهمیت آنها کاسته شده باشد دارای اعتبار است.طرح بسیار خوبی از اندیشه‌هایی بود که مهر خود را بر انقلاب‌گری آن دوره زده بودند سهم مهمی در مبارزه‌ی ذهنیتی کردستان داشت.سفرهایی که بر مبنای این تحلیلات و طرح‌ها در کردستان انجام دادم جالب توجه بود.در کلیه تحولات پدیده‌ای میتوان هر رویدادی را منفی ارزیابی کرد.تاریخ(پ.ک.) در عین حال تاریخ تغییر و تحولات بزرگ در تاریخ کرد و کردستان و در ساختار اجتماعی آن میباشد.میتوان گفت که کردستان در ربع آخر قرن بیست مهر(پ.ک.) را برخود دارد.تحول ذهنیتی و دگ‌گونه‌های اجتماعی، و سیاسی، صهراً گفته توسط(پ.ک.) ازان، تاریخ شده اند.

علی رغم وجود مشکلات و تخریبات سازماندهی همچنان در مقیاس بزرگی به روند و موجودیت خود ادامه می دهد. در درون میهن و بیرون از آن در کلیه بخش های کردستان زمینه و پتانسیل برای هر نوع سازماندهی امکانات لجستیکی شمار زیادی از کادر گروه ها و نهادهای جامعه ای مدنی موجود می باشد. آگاهی سیاسی خلق رشد و پیشرفت بسیاری نموده است پایگاه مردمی و توده هی طرفدار (پ.ک.ک) در سراسر کردستان در ردیف اول قرار دارند همچنین در خارج از میهن و در ابر شهرهای مجاور میلیون ها توده هوادار (پ.ک.ک) وجود دارد سطح بیداری و سازماندهی زن بسیار پیشرفت کرده است دنیایی جدید حول محور زن شکل میگیرد. فاکتورهای اساسی تغییر و تحولات تئوریک و پارادیمی جدید از آزادی زن می گذرد. جوانان نیز در موقعیتی مشابه اند. جوانان که از شور و هیجان آنها هیچ کم نشده رهروان مصمم راه آزاد هستند. شعار "یا زندگی آزاد یا هیچ" به عنوان پرچمی در دست جوانان دائم در اهتزاز خواهد بود. تحزب به کلی هدر نرفته است. حزب با داشتن تجارب عظیم هزاران کادر، دها هزار کادر محلی و صدها هزار طرفدار توده ای می تواند بسهولت خود را به هر شکل و جوهر مورد نیازی بازسازی نماید. هنوز هم گریلا علی رغم تلفات نا به جا و گرایشات باندگرایی در مرکز استان کردستان و در مناطق استراتژیک با هزاران عضو موضع گیری نموده و به موجودیت خود ادامه می دهد. همچنین حزب هر اندازه خود را از مشکلات و بیماری های گذشته عاری سازد با تکیه بر تجربه ای وسیع و انتخاب برنامه ای واقع بینانه و قابل اجرا بیش از هر زمان دیگری برای رسیدن به پیروزی آماده است. علی رغم وجود محاصره (پ.ک.ک) هنوز هم سنگرهای دوستی و شبهه که روابط خود را در سراسر جهان حفظ کرده و به پیشرفت خود ادامه می دهد. هزاران شهید قهرمان منتظراند که رفاقتیان در ذهنیت و پراکتیک بتوانند نماینده و شایسته ای آنها باشند.



# جہوان وئر کی سہ رہہ لدان

فهرزاد ئارىز-

سەرەھەلدان لە دىرى داگىركەرى لە كوردىستاندا لە ئەمپۇدا دېلى خۆى لە ھەممۇ بوارەكاندا بەھىز بکات. كەسايەتى كورد ئەگەر دەۋىيەت ئازاد بىزىت دەرىت بە ھەممۇ شىۋاز و رىيازىيەك سەرەھەلدان تا سەرەكە وتەن بکاتە ئامانچى خۆى. دەسىلەلتداران و دۇئمان بە ھەر شىۋازىيەك كە بۆيان كراوه و ۋىستۇۋيانە ئەم گەلە لەنناو بەرن. ھەر لە تواندە وەھى جەستەي و سرینەھەي لە ژيان تا ھەممۇ جۈرە سرینەھە و پاكتاو كەنلى چاندى و كۆمەلایەتى. دەمارەكانى چاندى لېرەدا زۆر قوولن و تا لانكەي مەرقۇيەتى دەگەرىنەھە و توانييەي وەك قەلغانىيەك ئەم گەلە تا كەنۋە مەرقۇ بىزىت. نە ھىوايەك و نە خەيالىيەك كە بۆ سەرەكە وتەن بىزىت مابۇو و ئىدى ئازادى بىبۇ بە ئەفسانە و ئەھەنگى كەنۋە دەنواند تەۋقىك بۇو لە كۆپلەتى كە وەك ناسىنامەيەك كرا بۇوە ئەستۆي؛ هېنىدە لە خۆى دوور كرابوو يەھەنگى كە بىبۇ بە عاشقى جەلادەكەي، ئەھەنگى ئىدى بە خەيالىدا نەدەھات سەھەلدان بۇو. زۆر جاران سەرەپەلدا بەس ھەممۇيان بە ھۆى كۆمەلنى كىشەي ھاوبەشەو نەيانتوانى سەرەكە وتەن بەللاھەن بۇون؛ تەنگ مانھەو لە ناوەشىرەت و ناوجە و خۇقوت نەكىردىن لە بىر و فکرى دەسىلەلتدارى و ... وايىاي لىيەباتبۇو كە بندەستى وەك چارەننۇس بىبۇ ملى؛ ئەھەنگى ئەم گەلەي رېزگار كەنۋە مۇعەجىزەيەك بۇو؛ سەرەھەلدا ئەپەن بۇو بە روواندەنەھە كۆكى حەقىقەتى ژيانەو. پىيۆست بۇو سەرەپەك بەھىز ئېرادرەو لە نەبۇونەھە بۇون ئازادى بخۇلقۇيەت و رىيەرى شۇرۇش و تىكۈشىن ژيانەو بکات. بۇويىن بە ناسىنامە و كەسايەتىك پر لە ھىوا و ئېرادرە پىيۆستى سەرەكى بۇو؛ زانا بۇويىتىكى دەمىسەت كە پەرتووكى مىزۇو لە نوپەھە بەنۈسىت و ئازادى بەرخۇدان لە نوپەھە بەنۈسىتە بکات و جۆش و خەرۇش شۇرۇش و تىكۈشان لە دلى مەرقاھە تىدا بېرىشىتىتەھە. لېرەدا ئەپەن

شده‌رین تایبه‌تی ده مسنه لاتداران بیت و دلیلی بیت که سه رکه و تن نزیکه و به چپتر کردنی چالاکی و تیکوشان ده توانن نازادی خویان دهسته بهر بکهن . بویهش جه و انان ده بی چالاکیه کانیان چ له شار و گوند و خویندگه و زانکوکان زورتر و بهر بلاوتر بکهن و به هاتنه سه ر چیا و بیوین به گریلا هیزه کانی پاراستنی کومه‌لکا به هیز تر بکهن جوانان ده بی دئی هه ر جو ره کویله‌ییک راپه‌رین بکنه ثامانج و سه ریبه‌لدهن . ئه وهی له تیکوشانی ریگای نازادی له دهستی ئه دهین ته نیا کویله‌تی و پنده‌ستیه و ئه وهی به دهستی دیین داهاتووه و نازادی .

نهمه ئەو رىگايىهە كە رىيەر ئاپۇ فېرى كىدووين لە دىزى ھەر جۈرە نامروقايەتى كە سەرەلەدەدەين و دىنیا كى جوانتر ئاوا دەكەين كۆنەپەرەستى و پېرسالارى و پىاو سالارى تەنيا بە تىكۈشانە كە لە ناو دەچن. ئەوهى پىويستىمان پى ھەبى بوئازادى، تەقىگەرى ئاپۇيى بۇ دىيارى كىدووين؛ جەوانى كورد لەم سەرەدەمەدا دەبن خاواهن لە رۆح و ئيرادەي جەوانتسى دەركەون و داھاتسوو خۆيان بەھېزى تىكۈشان دىيار بکەن. ئەوهى ئازادى و ژيانى يەكسان و بەرامبەرمان بۇ دايىن دەكەت تەنيا تىكۈشان و خۇ بە رىتكىختىن كەردنە بۇ ئاوا كەردىنەوهى نەتەوهى ديموكراتىك ئىدى سەرەدەمى دەولەت نەتەوهە كان بە كۆتايسى گەيشتۇوه جەوانان دەتوانى ئەم سەرەدەمە بکەنە سەرەدەمى ژيان و ئازادى ئەوهى ئەم سەرەدەمە قازانچ دەكەت كە تىكۈشانى بۇ بکات و بە ئيرادەيىكى ئازاد بەريۋەتلىك بىات تەقىگەرى جەوانان وەك تەقىگەرى ئاپۇيى بانگەوازى سەرەيەلەدەي بۇ ھەموو جەوانانى شۆرشىگەر و ئازادىخواز راگەياندۇوھ. بۇيە ھەموو جەوانان بە خاوهەندارى لەسەرەلەدان و ھەولۇدان بۇ بەرەو پېش بىردىنى سەرەلەلەدان ئەركى دىرۆكى خۆيان دەگىرەن كاتى ئەوهەتاتووه كە ھەركەس خەتنى چالاکى بەھېزىتىر بکات، ھېزى 55 سەلەلتدارى و فاشىست دەھىيە وېت ئىمە لە بىر و رامانى رىيەر ئاپۇ بىيەش بکات ولەمى ئىمەش لە بەرامبەر ئەو ھېزىشانە سەھەلەدانە.

سەرەيەلەدەدەين كە ژيان و ئازادى تەنيا لە ناخى سەرەلەلەناندایە و تەنيا لە سەرەلەلەناندایە كە دەتوانىن ھەموو دەسکەوتەكانى رىيگايى ئازادى و مەرۋەقايەتى پەرەيزىن و مەزنەتىيان بکەين.



دبی دیرۆک لە کەسایەتیکدا و کەسایەتیک لە دیرۆکدا جیگە بگریت لە وەھا کاتیکدایە کە کۆمەلە جەوانیک بە درووشمی کوردستان داگیرکراوە، دەردەکەون بە ناوی ریبەر کە یانە وە دىنە ناسىن؛ تابوچىيە كان سەرەھەلدىن؛ ریبەر ئابۇ بە تېڭوشانىتىكى بىن وېينە دەستى پېكىرد و ھەمەو پېویستىيەكانى كوردى يەك بە يەك دايىن كرد كوردى كرده خاوهن هيىز و ئيرادە و ناسىنامە. ئازادى لە ناخى دلى جەوان و ئىنى كوردا چاند و رېكخىستى پېشکەش كردن و رېگى

نمازدی و تیکوشانی بتو روون کردنهوه. (نهو ریگایهی که به سالان بتو ونهمان کردبوو).  
کورد به تیگیشتن له بیر و رامانی ریبه رئپو خوی ناسیبیهوه و له گه ل خویزای خویدا ژیایهوه،  
ئیدی جهوانی کورد توانی بتو گله که هی و گله لانی دنیا بیتە سەمبول. ئیدی به بەرخۆدان  
لە چیا، شار و زینداندا جهوانانی ئاپویی دینەناسین گەلان ھەممو خەیالە کانیان بەمانەوه  
گریدداووه. روانینی ریبەرتى بتو جهوان و جهوانتى و باوهرى دايىن به ھیز و ئیرادەجى جهوان  
لەم رستەيەدابە جوانى ديازە.(بە جهوانى دەستمان پى كرد و بە جهوانى سەرەدە كەوين)  
واتا جهوان بە كارھەيانى ھیز و توانايى لە ریگای نازادى گەلاندا ھەم خوی رزگار دەھات  
و ھەم كۆمەلگاکەي. ریبەر ئاپو ریبەرايەتى سەرەلدانى كوردى بتو ژيانەوه كرد و چەندە  
ھېرىشى دوۋۇمناز زۇرتى بتو وەندەش تۆلەسەندەنەوه مەزنەت بتوو(پ،ك،ك) لە تۆلەلدانى  
شەھيدانى ریگای نازادىدا ئاوا كرا، ئاوا كردىيەك كە بتووه قۆلى بەرخوان لە رامبەر  
سەرمەدارى و دەسەلەتدارى لە تەھاوايى جىهاندا.

ریبەر ئاپۆ لە بەرامبەر ھەموو کۆیلایەتى و تواندنهوهى كورداندا سەرييەلدا و كوردى ئازادى ئافراند. جەوان و ژن كە ببۇونە ئەو كۆيلانە كەلە بازارە كانى سەرمایەداريدا كرىن و فۇرشتىيان پىدەكىرى و بەرھەمى رەنج و دەسکە و تيان ھەر رۆزە زەوت دەكىرى. لە فکر و فەلسەھە ئاپۆيدا ئەينە پېشەنگ؛ لە پېشى كۆمەلگاوه ؛ ئازادى و رىزگارى دەكەنە دىيارى بۇ گەلان بە خۆرىيەكتىن كىردىن و تىكۈشانىيان پىلانە كانى داگىركەران پۇوچەل دەكەنەوه. جىهانى دەسىلەتدار و پياوسلار ھېرىشىكى ھەملەلايەنە كىردى سەر رىبەر ئاپۆ ويسىتىيان گەلى كورد لە رىبەرتى ئازادى دوور بخەنەوه و گەلان لە گەيشتن بە ئازادى مەحرۇوم بىكەن.

پیلانگیری دووزمنان له ههموو کوردستان و دنیادا تسووره بیون و سهرهه لدانی لیکه و تهه وه  
واتا رسیه رایه تی سهرهه لدان له هه قوئانگیکدا بیوه هه وی سهرهه لدانی گه لان دژی  
نامروقایه تی. قله غازیک له ئاگر درووست بیوه و جهوانانی کورد پېول پېول رسیگای گریلا  
بیونینان هه لبڑارد خویان وه وک هیزی پاراستنی فیدایانیه رسیه ئاپۆ به رسیکخستن کرد شار  
نه ما له کوردستاندا که سهرهه لندادا و ئه وهی ده خروشسا سهرهه لدان بیوه هه ئه وهش بیوه  
که بیلانی داگیر که رانی ئه وهندە تر روویه رووی شکەست کرددوه.

نه فگه رئا پویی مه نزتر و به ریلاوتر بوقته وه و ئاسویه کی رووناکتري بسو گه لان دیار کردووه و  
ئه م ته فگه ره چه نده هیشی کراوه ته سه رئه و هند دش رق ئه ستورتر بعوه و به هیزتر  
توانیویه تی توله بستینی و سه ری هه لدانه 50. ئه م ته فگه ره ته فگه ری سه ره له لدانه چه نده  
قهیرانه کان و کیشے کان قوولت بن چاره سه ریش هیند به هیزتر بعونه. ده ماره کانی ته فگه ری  
ئازادی له ناخی کومه لگادا شاراوه وه و ژيانه وه خوی به ژيانه وه کومه لگاكه وه گریداوه  
و کومه لگاکش ژيانه وه له ژيانه وه ئه م ته فگه ره ده بینیت. جه وان وه ک هیزی سه ره له لدیری  
کومه لگا هه رتم له به ره و پیش بردنی سه ره له لدانه کان وه ک بزوئنه ریکی سه ره کی رو لدگی پری  
و له دیارکردنی داهاتوودا هیزی چاره نووس سازه. له وهها بارودوخنیکدا که داگیرکه ران هه ر  
روژه له هه ولدانی سازکردنی پیلانی هاویه شن دزی گه لی کورد و تا ده روات هیرشه کانیان چرت  
ده کنه وه. له وهها بارودوخنیکدا هیزی کومه لگا ده بی به زانی یی کی ته واه وه ئاگاداری

تەقگەری جەوانان وەک تەقگەری ئاپۆبىسى باڭگەوازى سەرەيەنلەدەي بۇ ھەمۇو جەوانانى شۇرۇشگىر و ئازادىخواز راگەياندۇوه. بۆيە ھەمۇو جەوانان بە خاوهندارى لەسەرەلەدان و ھەولۇدان بۇ بەرهە پېش بىرىنى سەرەلەدان ئەركى دىرۆكى خۆيان دەگىرىن كاتى ئەوهەتتىووه كە ھەركەس خەتسى چالاکى بەھېزىتر بىكات، ھېزى دەسەلەلتدارى و فاشىست دىديه وىت ئىمە لە بىر و رامانى رېبەر ئاپۆبىيەش بىكات و لامى ئىمەش لە بەرامبەر ئەو سەھەلەدانە ھېشانە

# سپاه

## رژیم جمهوری اسلامی ایران

### در رابطه با جوانان

#### مظلوم هفتن

جوان کیست و جوانی چه معنای دارد؟

به نظر شما باید جوان و جوانی را چگونه تعریف کرد؟ آیا جوانان تنها قشر خاصی از جامعه‌اند در مقطع خاص و گذرا! از زندگی با شکل و شمایل خاص و نحوه‌ای از زندگی تعریف شده‌ی همه‌گیمان کم یا زیاد با آن آشنایم؟ یا نه حکایت بیشتر از قشری خاص و مقطعي خاص یا گذرا است؟ به نظرم این تعریف هرچند به صورت مختصر بیان شده با ماهیت سیال بودن زندگ و جانداری متحرک بودن و پر انرژی بودن جوان همخوانی ندارد و در واقع مخصوص کردن، محدود کردن و بهتر بگوییم مخصوص کردن معنای عظیم در قالبی تنگ و خفه کننده است بیشتر تأکید بر امور فیزیکی مسئله صورت میگیرد که این با دنیای ماورایی انسان و انسانیت فاصله‌ی جدی دارد قصد انکار آن بُعد یا ابعاد نیست اما به دور از عقل و انصاف است که آن را تها در آن محدوده تعریف کنیم. تعریف جوان و جوانی بر آن اساس کمینه‌ای است از بیشینه‌ها و در واقع مشتی است از خروارها. به نظرم مخصوص کردن جوان و جوانی به مقطعی گذرا از زندگی درست نیست و در دنیای انسانها و جوامعی که ادعای آزادی و دموکراسی دارند و رهرو آن راهاند از این رو میتوان برای فهم بهتر جوان و جوانی ویژگی‌ها و صفاتی را بر شمرد که جوان و جوانی با آنها معنا می‌یابند. مواردی از جمله تحرك و سیاست زندگ و مسائل ویژه‌ی دیگر به این صورت و با این نام و نشانها صورت گرفته است و نمود عینی یافته است. اما در واقع با ذهنیت اصلی دولت و اقتدار اشتراک وجودی و ماهیتی دارد. حکومت حاکم بر ایران از نظر فرم دارایی ریشه‌ی تاریخی بیش از ۲۵۰۰ ساله است و از زمان تحول سیستم حکومتی ماد به سیستم حکومتی تک‌گرایی هخامنشیان تا به امروز به اشکال و عنایون مختلف و بدون انقطاع ادامه داده؛ بنیاد این رژیم بر اساس و محوریت ملی گرایی- قوم گرایی و دین گرایی- مذهبگرایی شکل‌گرفته و بنیاد نهاده شده است اصل ملی و قومی اش تا به امروز ارجاعیت پارسی و پارسگرایی بوده است و اما اصل دوم یعنی دین و مذهبگرایی در مقاطعه تاریخی مختلف و بر اساس منفعت حاکمیت و استفاده‌ی ابزاری از آن فرق داشته مثلاً از زمانهای ارجاعیت ادیان زاگرس (زردشتی...) بوده و زمانی ادیان دیگر که امروزه این اصل بر مبنای اسلامگرایی و شیعه گرایی صفوی است.

رژیم به صورت هرمنی عمل میکند که رأس هرم خاصان و برگزیدگانند و قاعده‌ی هرم نیز عوام و بقیه مردم اند؛ نحوه عملکردی از رأس به قاعده است یعنی آنها که آن بالا نشسته‌اند فکر میکنند تحلیل و تثییت انجام میدهند تصمیم میگیرند برنامه ریزی انجام میدهند امر و تعليمات صادر میکنند و... کار قاعده‌ی هرم نیز اطاعت بی چون و چرا از دستورات و اثبات لیاقت به رأس هرم است این رژیم بر اساس ماهیت اش که بر تک‌گرایی و مركزگرایی و حاکمیت مطلق رأس بر قاعده استوار است تمامًا مسایل مادی (شکل و نهاد...) و معنوی (محبتوا و شیرازه‌ی مسائل و...) اجتماع را بر این اساس مهندسی کرده و شکل میدهد از این رو حکومت جمهوری اسلامی ایران برخلاف نام گذاری اش (جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت) ماهیت جداگانه داده. حاکمیت حافظ و تأمین کننده امنیت و آسایش مردمان جامعه نیست بلکه در اصل صاحب اختیار جان و مال و... مردمان است و با این دیدگاه برخورد میکنند.

شکل گیری دیدگاهشان بر مسائل در آینده دخیل خواهد بود حکایت‌های بابا آب داد بابا نان داد و ... که هرچند در آن موقع بُوی کودکانه داده و ممکن است چندان سؤال برانگیز نباشد اما همین حکایت ریشه‌ی مسائلی در آیند. بازی بی پایان و سرگرم‌کننده‌ی گربه و کلاف کاموا و چرخه‌ی مدام و معیوب دویدن و دنبال کردن گربه و سگ و نمونه‌های دیگر که هر چند تصویر و حکایتی کودکانه دارد اما با درایت و آینده نگری ویژه‌ای چیدمان یافته‌اند چرا که بازی گربه با کلاف کاموا و مشغولیت‌های کاذب و بازی‌های بی نتیجه و مشغولیت‌های زمان‌بر و زمان‌گش که بعدها در جامعه‌ی انسانی بصورت‌های مختلف نمود خواهد یافت. دویدن انسانها دنبال هم و تکرار بازی کودکانه و گربه و بازی سگ و گربه و مکاری‌های مانند آن در دنیای بزرگترها و در کلیت جامعه شکل خواهد گرفت... در مقاطع دیگر خود حکایت‌های خاصی دارند مثلاً مقطع دانشگاهی، بهر حال مسئله‌ی کامل خواهد داشت. یعنی جنگ اصلی جهت دستیابی به فرم کارکردی و دنیایی مقوله‌ی خدا و دیگر مقدسات موجود صورت میگیرد در واقع شما می‌توانید مطلعه‌ی فقیه و اطاعت بی چون و چرا بی افراد در مقابل اوست حکومت\_حکایت جهت رسیدن به این موقعیت از قامی امکانات آموزشی، هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، عقیدتی، سیاسی، نظامی و... استفاده کرده و از راه‌های مختلف اقتاع کردن به هر شکلی با دلیل و برهان و یا تطمیع و تهدید برخورد میکند به طور مثال نقش آموزش و پرورش در این مسئله بسیار مؤثر و تعین کننده است؛ انتخاب موادر درسی، چینش صفحات کتابها، فهرست بندی دروس، انتخاب عکسها و موضوعات و در همگی بر اساس جهت‌دهی اذهان به سمت اطاعت کرده از اراده‌ی مطلق است پوشیدنی است که سیتیه‌ی جدی عقیدتی سیاسی وجود دارد و در هر مقطعی حتی در کوچکترین مسائل هم دخالت میکنند سعی وافر دارند که با استفاده از ابزاری از قامی مسائل از متولوژی گرفته دین، فلسفه و علم و... مشروعیت و روای حکایت و خصوصاً محوریت آن و مرکز ثقل که ولايت مطلعه‌ی فقیه است را اثبات میکند جهت پیوند ولیه‌ی فقیه به امامان و پیامبران و ارتباط دادن آنها با خدا و پیوستگی غیر قابل گستاخ این زنجیره و لزوم متصل شدن افراد به آن جهت کسب هویت و حتی موجودیت مرکز حریض و طویل تحقیقاتی، انتشاراتی، آموزشی و... راه انداخته‌اند و امروزه جهت اثبات مدعای خویش حتی از فیزیک کوانتوم نیز دلیل می‌آورند به هر حال کار عمده را در حوضه‌ی ذهنیتی و تحول و تبخیر اذهان انجام میدهند میزان سیتیه‌ی رژیم بر مسائل آموزش و پرورش در تمامی مقاطع به وضوح دیده میشود در ابتدای ترین مرحله با استفاده از به دانسته‌های جهت‌دهنده با انجیزه‌ی دین و مذهب گرایی و جنسیت گرایی و... استفاده از رنگ آفرینی محیط و شکل‌دهی آنچا و کارهای دکوراسیون و تزئین با زنگها و نقاشی‌ها و نوشته‌های ویژه بازیهای گرینشی شده و... سعی در جهت‌دهی و تشکیل سوژه‌ی مورد نظرشان را دارند در مقاطع ابتدایی با شعارهای مشخص شده و تکرار مداوم آنها که در این صورت حتی اگر معنای آنها را ندانند ملکه‌ی ذهنشان خواهد شد و در

جوانان لازم است خود و داراییشان را به درستی بشناسند و قدر منزلت آنها را بدانند قابلیت و استعدادشان را ارزان نفروشنند و در هر راهی خروج نماید دشمن و سیستم اش را به درستی بشناسد تا به دامهای بیشمارش گرفتار نشوند؛

این شکل فرم گرفت بی آزار میشود. به قربان گویش وضعیت پوچی را به هر شکل قبول میکند حتاً اگر شکایتی هم بکند تنها در حد شکایت میماند و اقدامی عملی انجام نمی‌دهد چرا که توان استقامت و پایداری بداند رزالتیست اهلی شدن با این نمونه‌ای از برخورد نظام است.

جوان رششار از انرژیست و این انرژی لازم است ترک و سیالیت داشته باشد حکایت از کارکرد درست این انرژی نگران است و باید آن را به هر نحوی به هدر نهاد از اینزو شرایط و امکانات آن را فرام میکند مثلاً دنیای ورزش و غوطه ورشدن در آن حکایت قهرمانی و گردن کلفتی و دوستدار متعصب و خاناتیک کس یا کسانی شدن در آن که با فلسفه‌ی وجودی ورش توضیح. فروتنی. مرام و غدش، بهلوانی فاصله‌ای جدی دارد راهی است جهت گذراندن اوقات تخلیه‌ی نابجای انرژی؛ ایجاد مشغولیت کاذب سرگرم شدن و گذراندن مجازی زندگی به نام زندگی مرکز به جسم و محکم کردن نفس روح و استفاده‌های مخرب دارویی و درمانی در این راه و... نمونه‌ی دیگر غرق کردن در دنیای هنر مجازی، نقاشی، شعر... البته فهم داستان موسی و شبان و درک بینش عمیق شبان در باورمندی تنوعات (اسماء خدا و اسماء الله) و اعتقاد به راه‌های حقیقت در رسیدن به حق نیست حکایت ناله‌ی فی و خفان از دوری از جوهر وجودی و ماهیتی نیست (بسنواز نی که حکایت میکند) حکایت آتش افتادن نیستان و سؤال و جواب فلسفی نی و آتش در سوراندن زندگی بی معنی نیست که حکایت غرق شدن و غرق کردن انسانیت در نواهای گوشخراش و دلخراش و دلآزار است حکایت زنگهای آزار دهنده و شکلهای ناموزون و بی سرش است هر که شیوه‌ی بیان اعتراض در مقابل ظلم و ستم است به شیوه‌ای از اطاعت حاکمان مبدل کرده‌اند که دردهای خلق را باندا و زنگ و خط و نقش انعکاس میدهد به شناگری اربابان زر و زود و تزویر مبدل کرده‌اند والحاصل حاکمیت محتوای مسائل را تخریب کرده و جوانان را در این عرصه‌ها بدام انداخته و نابودشان میگرداند. به آنها این گونه القاء میکند که: هر کاری میتوان انجام دهی غیر از سیاست کردن. آری هر



این است که جوانان را سر به راه به بار آورند برخورد و حاکمیت با جوانان برخوردی ویژه است یا بهتر بگوییم جنگ ویژه است و جوانان با سیاست جنگ ویژه و اشکال و راه‌های مختلف آن مهارتی بی‌نظیر دارد که جهت روشن‌تر شدن موضوع مواردی را بی‌شک در کابرد سیاست جنگ ویژه و اشکال راه‌های مطلق خدا و تسلیمیت بی‌چون و چرای اراده‌ی انسان در برابر متذکر میشوم. مسئله‌ی بی‌اراده کردن جوانان حاکمیت با قبولاندن اراده‌ی مطلق خدا و تسلیمیت بی‌چون و چرای اراده‌ی انسان در برابر آن به صورت ارائه‌ی مباحث دینی و مذهبی و مسائل عقیدتی که دیگر مسائل مخصوص صورت میگیرد در واقع شما می‌توانید که اثرب از اراده‌ی فرد باقی نماند لازم است بدانیم که این جنگی با نام خدا و دیگر مقدسات موجود صورت میگیرد در واقع شما می‌توانید که اثرب از اراده‌ی همان نمود عینی و سیمای کارکردی حاکمیت و مدیریت جامعه است که امروز ولیه‌ی فقیه و حاکمیت ولایت مطلعه‌ی فقیه است. یعنی جنگ اصلی جهت دستیابی به فرم کارکردی و دنیایی مقوله‌ی خدا و دیگر مقدسات موجود صورت میگیرد و آن هم حکایت اراده‌ی تمام و تمام ولایت فقیه و اطاعت بی‌چون و چرای افراد در مقابل اوست حکومت\_حکایت جهت رسیدن به این موقعیت از قامی امکانات آموزشی، هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، عقیدتی، سیاسی، نظامی و... استفاده کرده و از راه‌های مختلف اقتاع کردن به هر شکلی با دلیل و برهان و یا تطمیع و تهدید برخورد میکند به طور مثال نقش آموزش و پرورش در این مسئله بسیار مؤثر و تعین کننده است؛ انتخاب موارد درسی، چینش صفحات کتابها، فهرست بندی دروس، انتخاب عکسها و موضوعات و در همگی بر اساس جهت‌دهی اذهان به سمت اطاعت کرده از اراده‌ی مطلق است پوشیدنی است که سیتیه‌ی جدی عقیدتی سیاسی وجود دارد و در هر مقطعی حتی در کوچکترین مسائل هم دخالت میکنند سعی وافر دارند که با استفاده از ابزاری از قامی مسائل از متولوژی گرفته دین، فلسفه و علم و... مشروعیت و روای حکایت و خصوصاً محوریت آن و مرکز ثقل که ولايت مطلعه‌ی فقیه است را اثبات میکند جهت پیوند ولیه‌ی فقیه به امامان و پیامبران و ارتباط دادن آنها با خدا و پیوستگی غیر قابل گستاخ این زنجیره و لزوم متصل شدن افراد به آن جهت کسب هویت و حتی موجودیت مرکز حریض و طویل تحقیقاتی، انتشاراتی، آموزشی و... راه انداخته‌اند و امروزه جهت اثبات مدعای خویش حتی از فیزیک کوانتوم نیز دلیل می‌آورند به هر حال کار عمده را در حوضه‌ی ذهنیتی و تحول و تبخیر اذهان انجام میدهند میزان سیتیه‌ی رژیم بر مسائل آموزش و پرورش در تمامی مقاطع به وضوح دیده میشود در ابتدای ترین مرحله با استفاده از به دانسته‌های جهت‌دهنده با انجیزه‌ی دین و مذهب گرایی و جنسیت گرایی و... استفاده از رنگ آفرینی محیط و شکل‌دهی آنچا و کارهای دکوراسیون و تزئین با زنگها و نقاشی‌ها و نوشته‌های ویژه بازیهای گرینشی شده و... سعی در جهت‌دهی و تشکیل سوژه‌ی مورد نظرشان را دارند در مقاطع ابتدایی با شعارهای مشخص شده و تکرار مداوم آنها که در این صورت حتی اگر معنای آنها را ندانند ملکه‌ی ذهنشان خواهد شد و در



## فەلسەفەی رېپەر ئاپۇ تىكىدەرىت

### بازنەي شەپى تايىھەتى داگىركەران بە

ئامەد شاهۇ

دوور خستە وەي حەقىقەتى جەوانان لەرپىوانى بەرهە ئازادى، كارىكى ئەستەمە جەوانان دايىھەمۇ و هېزى پېشەنگى كۆمەلگان. ئەو هيژەن ھەميشە لىكەرىن يان بەه دواي دادپەرەرى، ئازادى و ديمۆكراسييە و ھەيدە. لەھەر قۇناخىكى مىژوودا گەنجان بە تىكۈشانى ديمۆكراتسى يان مۇزىكىيان لە ئالوگۇر و پىشكەوتە كانى كۆمەلگا داوه. پىكەتەيە بە ھەممو ھېز و توپاى خۆپەوە بەرهنگارى سىاسەتى تاكپەرەستى، دىكتاتۆرى، فاشىزم، ئىسلامى سىاسى و مۇدىيەتى سەرمایەدارى بۆتەوە كە ماتەوزۇي گەنجانى لەپىتاو درىزكەدنەوە دەسەلات و سىستەمى ناديمۆكراطييەيان بەكارھىنناوه. ئەھەن جىڭىز داخ و پەۋارەيە كە گەنجان لەناو سىستەمى دەسەلاتدارى و پىرسالارى ھەريمى و جىهانى دا پىگە و ناستامەي جەوان بۇونيانلى زۇت كراوه. دەسەلاتخوازان ھەولىيان داوه و زەنگى ئازادىخوازى گەنجان بخەنە ژىر خزمەتى خۆيان و گەنجان وەك چەلغانى پاراستى ھەبۇونيان لەپىتاو درىزكەدنەوە دەسەلاتيان وەك سۇوتهمنى بەكار بېتىن. واتا لەمېزۇوي دەولەت داريدا رووبەرۇوي ئەوه دەبىنەوە كە دەسەلاتداران گەنجانىان لەرەپەھوئى سرووشتى يان بەلارپىدا بىردووه تا ئىستاش لەھە كانىان بەردەوامن كە ماتەوزۇي گەنجان دەخەنە خزمەتى بەرژەوندى و سىاسەتە چەپەلە كانىان.

بەسراوەپىي، كىيىدان و گۆشار لە سەر گەنجان لەلایەن پېراني بە ئەزمۇون لە كۆمەلگائى ئېرمان بۇ سەر جەوانان پېرەپە دەكىت، پۇيىستە بە شىۋەيەكى جىددى شىكارى لەسەر بىكىت. خەرمانى ئەزمۇنى (دەزگائى رەھبەرى)، مەجلىسى شارەزايىان، شۇرائى نىگەھبان، شۇرای بەرژەوندى رېئىم، مەجلىسى شۇرای ئىسلامى لەئiran لەلایەن پېران يان ژۇنۇتكاتە كان (پىرسالاران) بە هيىز

كارى را برايىش مجاز مىداند اما سىاست ورزى را اصلا و ابدا قبول ئېمكىند چرا كە سىاست بە رىشەي حاكىمت بىرمىگەردد. كار خاصان و برگىزىدگان است و سەردىر آوردن از سر حاكىمت و مدرييەت بىر مەرمىن كە سىاست بس خطرنەك براي عوما! بطور مثال اگر كسى سؤالى برايىش پىش بىايد كە چرا آنها چنان اند و ماها چىنин ايم! و يَا چرا آنها آنجايند و ما در اينجايم... و يَا چرا آنها نسل بىر نسل بىر عرش اند و ما نىز نسل بىر فرشيم و چىنин سؤالەلەي از اين دست كە مەرمەھاين اين بادى را قبول ندارند و شايسىتە سالارى را بىر پىرسالارى، مەرمى سالارى، ملاسالارى، مسلمان سالارى، شىعە سالارى... ترجىح بىدەد و وسوسە پىشاھنگى و رسيدن بە كمال با تىكىيە بىر عقل و خرە و فەم و شعور و نېرىو خويش و اجتماعى دانستە باشد ئېيتۋاند خودش را زىر سىنگ ھەم قايم كند بەھر وسیله اى كە شەھ پىدايىش مىكىند و با القاب چون ملحد، مرن، مقصىد فى الأرض، مجوس كېر، زندىق، مائينىدەي شيطان، مزدور بىكانە... حەكمىش را صادر مىكىند و اعدامش مىكىند و يَا چنان بلايى بىرسىش مىآورىن كە مرغان ھوابە حالش گەريي كىند. اين يك روپ قىضىيە است اما روپ دېگەر اعتىاد بە مواد مخدر از ھەر نوع طبىعى و مصنوعى مشكلى ندارد و حتى ترويج مىشود در ھەر كافە اى ھەر تەرقى گاھى سر ھەر كوچە اى ھەر كۈرۈآيادىي دست ھەر بقاىي... مېيتۋان از ترىياك و ھەرۋەن گەرفتە تا قىرچاھاى مخدر و روانگەردان بە راحتى پىدا كە. امروزە تەھىيە مواد مخدر خصوصا نوع صنعتى آن كە مخربىت است. آسانتە از تەھىيە سىيگار است با يك تلفن تحويل مواد، درب منزل صورت مىگىردد... حەكايىت مىشوبات الکلى ھەم مشابە آن است رواج فساد اخلاقي و گەشتىش آنها مىزان شىعو و سەن ابتلا و حەشناك است. جالب است كە عاملىن و دست اندكاران آن معلوم اند. آدرس شان مشخص است ناراضىتى و شەكايىت مەرمى از آنها بى شەمار است اما چىزى تغىير مىكىند آش ھمان آش و كاسە ھمان كاسە است حەكم حەكىمەت بىر دەگاندېشان راديكال مشخص و غير قابل تغىير است و لازم الاجرا. اما در مورد آمرين و عاملىن و دست اندركاران مفاسد اخلاقى؛ نرم، غيرمشخص و قابل تغىير است و لزومتى بىر اجراي آن سخن دىدە مىشود و راهەلەي فراوان آن بسىار! آرى حەديث مفصل دارد اين ھەدف حەكمىت بە تسلىمەت كشاندىن جوانان است و از راهەلەي مختلف آنها را بە اين باتلاق نابودگەر سوق مىدهد آنها را بە سمت و سوپى مىشاڭان كە ھۇنەھايى از صفات و ۋېزىگىشان را متذکر خواھم شد بى ھەدفى سەردىگى در زندگى، بىچىرىي و ملىپىن، بى انگىزەگى، بى روھىبى، بى ارادىگى، عدم انسانىت، عدم خلاقىت، منفي گارىي و ايجاد رقابت منفي، انزوا و گوشەگىرى، عدم نظم و دىسپېلىن، عدم سازماندەي، عرق شەنخەت شەح و ظايفە و بە جاي آوردىن آنها، شەكايىت كردن و گلە مندى در مقابل نقدكەردن چارە يابى مسايل، غرق شەنخەت شەح و ظايفە و بە جاي آوردىن آنها، شەكايىت كردن با مسايل ميل مفترط بە راحت طبىي و فرار از مجادله گرى و مبارزە، ميل بە عقب نشينى در مقابل مصائب و مشكلات و قبول شكسىت و تسلىمەت... و اما چە كار باید كرد؟ راھ چارە چىست؟ جوانان لازم است خود و دارايىشان را بە درستى بشناسىد و قدر منزلت آنها را بىدانند قابليت و استعدادشان را ارزاڭ نەروشىند و در ھەر راھى خەرچ نەنماید دشمن و سىستەماش را بە درستى بشناسىد تا به دامەلەي بىشمارش گەرفتار نەشۇند؛ تعاريفشان را از مسايل و مفاهيم بە درستى و بىر اساس شايىستىگى جامعەي انسانى مەنظەر قرار دەند زندگى و نەحو ھەندىمەنلىدى زندگى را تعرىف نەمودە و بىراسىس چرا زىستان و چەگونە زىستان بىرخورد نەمایند ھەرگونە حەرف، كلمە، تصور، روپىي، فەردىز، ذەرىپ، ھەرخورەد مەخرب را حتى اگر در حد ذە اى باشندانچام دەندەن و قەمەن انرژىشان را بىر مبناي فەردىز، ذەرىپ، عمل مەفید و سازنەد بىكار گەرند بىر تەحول و رسيدن بە كمال در اسرع وقت اقدام كردن و در رسيدن بە نتىجە اصرار و پا فشارى كىند در اين را تربىيە و تزكىيە نفس نەقش تعىين كىننە دارد كە موققىت در اين راھ ايجاد باورى و ارادە كرده و انگىزە و روھىيە ئىسان را افزايىش مىدهد اگر ھەمراھ اين مسايل سازماندەي نىز صورت گەردى بى گەمان موققىت ھەي عظيمى حاصل خواهد شد.

له دووهه مین هه نگاوى شەپى تاييهت و درېزخاينى رېئىمى كۆمارى ئىسلامى ئىران دۇر بە گەلانى ئازىد يخوازى ئىران و بە تاييهت گەلى كورد، كۆمەلگانى بە بنرىكىختن ھېشتەتەدە و ئەوهش لەپرۆسەيدە كى بەناوى بازىنە شەپى تاييهت سياسەتى چەۋاندەنە و بىئىراەد كەرنى كۆمەلگانى بە سەر گەلاندا سەپاندۇرە. ئەوهى ئىستا له ئىران دەبىنېت سەرچەم گەلانى ژىددەست و بە تاييهت گەلى كورد، نە خاونەن ھېزى پاراستن و نە ھېزى بەرپىوه بىردىنى كۆمەلگان كە پەرە بە ھۆنەرى فيربۇونى ژيانى ئازاد بەدەن. نە خاونەن بازارىكى ئازادى ئابۇورى و ھېزىكى پىشەنگى سياسەتى ديمۆكراتىكەن. كۆمەلگا يەكىن كە نە خاونەن فکر و فەلسەفە و رېيەرى واقىعى خوييان. ئەمە گەلانە چەندىك ھەولۇ و تەقلا بازىنە ئازاد دەدەن، لەبەر عەقلىيەتى تەشەنەپىدرابى شەپى تاييهت لەناسنامە و ژيانى ئازاد مەودا دەگەرن.

هر چهند شهربی تاییهت له رۆژهله‌لاتی ناوین له چوارچی‌سوهی دایه‌ریه‌ک (بازنە) به ناوی بازنەی شهربی تاییهت به پریوه ۵۵ چیت. به لام ئەو بازنەیه بە برده‌وامى لەدزى ناسنامە کوردان پیلانگىرپى و سیاسەتى چەپەلیان بەپریوه بردودوهو له پیناوا پاراستنى بازنەی دەرسەلەنخوازیان دەرفەتیان بە ژیانى ئازاد بۇ گەلانى ناوچەکە له باربردووه. بازنەی شهربی تاییهت له سەرگەلى كورد له رۆژهله‌لاتی كورستان بە گواستنەوھى ئەزمۇون و پېتىگىرى ماددى و مەعنەوھى ھېزەكانى بازنەی شهربى تاییهت (ئەمەريكا، ئەنگلەرە، ئەلمانيا، ئىسراييل، تۈركىيا، ئىراق و بەشىك لە حزبە كوردىيەكان) بەپریوه ۵۵ چیت. له ناو ئەو بازنەیه دا ڈېتەم كە بە رىڭخراوينى تىرۋىرىستى و مەترسىدار دەناسىرىت بۇ گواستنەوھى كرددەوە دىنداھە كانيان دژ بە گەلى كورد له رۆژهله‌لاتى كورستان، رادەستى ئېتلاعاتى ئېران و گروپەكانى دژە گریلا و PJAK دەكەن. ئەو دەزگاوا دەزگاكانى ھەوالگىرى تر چۆنیھەتى شەھيدىرىنى گەريلاكانى PJAK و YRK بەشىوه پیلانگىرپى، نىشانبىرى، بۆسەنانەوھە، دەرمانخوارد كىردن بە ژەھەر، رفاندىنى لايەنگەر و ئەندامان و بىسەرلەشىۋەن كەردىيان، شىيەكانى ئەشكەنجه بۇ تەسلىميهت، رىڭخستنى گروپى مافيايسى و كوشتنى كەسانى مەدەنلى بۇ توقادنى خەلک، پوشىنى جىل و بەرگى گەريلايىس، پەرهپەدانى ماددهى ھۆشىبەر، فاحشەگەر اي و بەسيخۇركردن دەگوازىتە. يەكمىن ئەزمۇونى بەرچاوى ئەوهەش دروست كەردىنى گروپىكى مافيايسى لەمەرىوان كە (ھىواتاب) سەرپەرتىتىارى دەكەر و زياتر لە (٣٨٦) ھاولاتى مەدەنلى بە بىتاوان له چوارچەپەوي پاراستنى بەرژەنەندى ئەو بازنەيەدا دەكۈزۈن و تەرمە كانيان لەزىز ناوى ئەندامىتى PJAK و تەقەگەر ئازادىخوازى بە بازنەي شهربى تاییهتى رىزىم دەفرۇشىن. يەكىك لەچەپەلتىن سیاسەتە كانى شهربى تاییهتى رىزىم لە رۆژهله‌لاتى كورستان له ناوا پىنكەتەي گەنجان پەرهپەدانى سىستەمى بەسېچ گەرايسە. ئاماچى لەو سیاسەتەش بە كۆمەلابەتى كەردىنى دىباردە خىيانەتە له كورستان. ئەوهە سەرنج راكتىشە رىزىمى شەرى



بهسیج گهاری له چپه لتری  
 پیکاهاتهی گهنجان  
 رژیمی شهربی تایله‌تی نیران له پیش  
 سیاسته‌تی بهسیج کردن، به گزینه‌راوی  
 کاربرده‌ستانی رژیم به ریگلای بازنده  
 له کومه‌لگا و شاندووهه ئو دزمگیانه  
 ده بنهن بریتین له؛ سوپای پاسدارا  
 سوپای قودس، و هزاره‌تی ئیلات‌اعات  
 کۆماری ئیسلامی دواى شۇرىشى گ  
 زانست، تەکنولوژى، دین و مەزد  
 ئەوهى تاكه‌كانى کۆمەلگا به بن  
 زیهینه‌تی سىتى (S) واتا؛ سىكىس  
 پەره پې داوه.

دکات، به لام لهایه کی تریشهوه به پن زهمان پیری بهره و لاوازی و بنهیزی و هله شاندنهوه دهیانبات ئه و تاییه تهندی یان ههیکه لی رژیم بوقته هوکار ئه وهی که پیران ناچاری ئه وه بن گهنجان بخهند زیر خزمته تی خوانهوه. ئه و سیاسه تهش به پرکردنی میشك و زینهی جهوانان به دروشمی بئنهه ما و دره دله سه ئهنجامی ددهن و بهه شیوهیه سه رجهم کردار و جوولهی جهوانانی تینووی ئازادی به خویان دهه ستهوه. زینهیه تی پیاواسالاری دهه لاتدارانی رژیمی تیران دز به پیکهاتهی گهنجان و کومه لگا له دیاردهوه سه رجاهوه ده گرت. پیراسالارانی رژیم به به کارهیان و کوتربول کردنی هیزی جهستهی گهنجان و پروژه کانیان له کومه لگا ددهنه بواری جیهه جن کردهوه. پیراسالارانی ولایتی موتله قهی فهقي له پیناو پاراستنی پیگهی خویان، دهترسن زانیاري ئیستراتیزی و هه ستیار و که رهسته کانی گهیشتنه با ئازادی بخهند خزمته جهوانانهوه. ئه و بره زانست و زانیاریانه ش تیسته له بره دهست جهواناندیه، زورهیه ئه و زانیاریانه که پابهندبوون و گریدان بعونی جهوانان به ژرنوتکراته کانی ناو سیسته زیاتر ده کات و گهنجان په لکیشی ناو بازنیه شهه ری تاییه تی رژیم ده کات. پیراسالارانی رژیم ئامورو و ده رهه تی پیویست به مه بهستی که لک و هرگتن و پراکتیزه کردنی ئه و زانیاریانه ناخنه خزمته که خزمته شهه ری تاییه تی گهنجانهوه. سیاسه ته لخنه تاندن و نانه سهه کاري هه میشهی گهنجان بعوه به تاکتیکی که بریوه به راهیه تی رژیم ده ژرنوتکراته تیران. پیراسالارانی رژیم به پیناسه کردنی جهوانان به دهسته واژه کانی سهه رخوش، خاو، پر و زه شیریه له ددهم و بنهه نمدونن سووکایه تی و پی ریزی یان پن ده کات و له بره ئه و لوزیکه ش له پیشخته و دیموکراطیه کردنی کومه لگا بن کاریگه، لاواز و په راویز خراون. رژیم به سیاسه ته به ستهوهی گهنجان به رهمه کهوه، غه لتاندیان له ناو دوگمای دینی و مهزه بی، هه لهاتن له سیاسه ته هه هول ده دات و زهی ناره زایه تی گهنجان له دزیه تی به ابیه سیسته کوتربول بکات. له بره ئه وهی رژیم شهه ری تاییه تر تیران به کوکردنیه سوپایه که هیزی گهنجان ههست بهه و ده کات که وزه شورشگیپی پیکهاتهی جهوانانی به ته اوی کوتربول کردووه، بویه وک به هیزترين رژیم شهه ری تاییه تی ناوجه که له سهه ئه گهه میشك و هزری جهوانان شستشو و داگیر کریت، ده توانریت ئه و پیکهاتهیه به برهه و هه کار و پیلاتیکی مه ترسیدار رابکیشیریت. بویه رژیم به داگیرکردن و شوردنیه میشك جهوانان دزوارترين کاري وک شهه و توندوتیزی، بو جهوانانی کردووه پیشههیه که به پن ئه و لوزیکه رژیم سوپای پاسداران به سیچ و پاریزوانانی حدهه می بو جهوانان دامه زاندووه و گهنجانی کردوته سووته مهه ئه و ده گایانها که کراونه ته قه لغانی پاراستنی به رهه وهندی پیراسالاره کانی رژیمی تیران. ئه وهش واقعیهت و بابه تیکه حاشاهه لنه گه که راگرتن و دورو خسته وهی وزهی جهوانان له ریپیوانی بهه رهه ئازادی، کاریکی هینچگا ئه ستهه و زه حمه ته و به پن گهه رهه راسته قینه دینامیکی جهوانان هه ریگز دهسته برداری ریگای گهیشتنه به ئازادی نابن. چون جهوانان ئه و پیکهاتهیه که زیاتر له هه که س بهه لای کیانی سیسته مو پیراسالارن. بویه ناییت جهوان بعون وک دیاردهه کی جهسته بی سهه ری بکهین، به لکوو بو مایه په ووچ کردنی پیناسه هی رژیمی شهه ری تاییه تی تیران پیویسته گهنجان وک دیاردهه کی کومه لایه تی مامه لهیه له گهه ل بکریت.

کومه‌لگایه که بناخه‌کهی به زیهنه‌تی شهپر تاییه‌ت بونیاد نرابیست، دهرفه‌تی ژیانی ئازاد و دیمۆکراسی  
لهبار دهبات  
کوماری سیداره‌ی ئیسلامی ئیران، يه کیک له و دهوله‌ت - نه‌ته وانه‌ی ناوجه‌کهیه که له پینتاو خه‌ساردان و  
به لاری‌دابردنی وزه ئازادیخوازی گهنجان پشکی شیری بدرکه‌وتوجه. ئەم رژیمە هەر له سەرهاتای شۆپشى  
گەلانی ئیرانه‌وه پیلانه نه گریسانه‌کانی دز بە پیکهاتەی گەنجان دەختاتە گەر کە پیشەنگایه‌تی شۆپشى  
گەلانی ئیرانیان له ئەستۆ گرتسووه. دواى ئەوهى گەنجان بە هيئ، باوهپى و ئىرادەھي پۇلائى خۆيانه‌وه  
پیشەنگایه‌تی سەرچەم پیکهاتەکانى ترى کومه‌لگا دەكەن، کاریه‌دەستانى رژیم لە ژیئر دەمامكى ئايىن  
و مەزه‌بىدا وزه و تواجى گەنجان دەخەنە ژیئر خزمەتى رژیمى تاخوندى كە تەنیا چىن و مەزه‌بە  
و پیکهاتەيە كى کومه‌لگا بە بەنەما دەگىرت. رژیم پېرسالارى کومارى ئیسلام ئیران بۇ ئەوهى هە  
له سەرهاتای هاتە سەر دەسلا تەوه سیاسەتى شهپر تاییه‌تی ئەنچامگىر بىیت، لە يە كەمین ھەنگاوى  
دا ھەولى داوه کومه‌لگای ئازاد و دیمۆکراتىك لە گەلانی ئازادیخوازى ئیران زەوت بکات و گەلىكى با

به رخودان ده گرن به و ناچار ده کرین که یان ولات به جن بھیلن و یان ئهو سزا یه که ده ولت به سه ریاندا ده سه پیتیت، بیکشن. و اتا رژیم ده رفه تکی ژیانی به و اتا بو گه نجان نه هیشت و ته و ۵.

گهنجان به بهشداریوونیان بُو ناو ریزه کانی گهربلا، گورزیکی کوشنده لهداهینه رانی شهربی تاییهت دهدهشینن  
گهنجان بُو رزگاربوون یان له بازنیه شهربی تاییهت رژیمی تیران پیویسته به دواوی قیلله‌ی نوی ژیان، واتا خوْری ئیمپالی ریبه ر تاپو  
بکوهن. بُو رزگاربوونیان له بازنیه شهربی تاییهت پیویسته به بهسیجی سهرتاسه‌ری گهلان و بهشداربوون گهنجان بُو ناو ریزه کانی  
گهربلا و پهربیدانی سهره‌هه‌لدان و ناپه‌زایه‌تی دیموکراتیک هه‌یه. گهنجان ده‌توانن به رامان و فله‌سنه‌فهی ریبه ر تاپو بازنیه شهربی  
تاییهتی داگیرکه ران تیکدهن. به‌هزری ریبه ر تاپو هیوا و باوه‌ری و روحیه‌ی شورشگیرانه به جهسته‌یان بیچشون. به بهشداریوونیان بُو ناو  
ریزه کانی گهربلا، گورزیکی کوشنده لهداهینه رانی شهربی تاییهت بوهشینن. گهنجان به جیگه‌ی ئندام بوونیان له ناو بازنیه شهربی  
تاییهت، له پیتاو که رامه‌ت و پاراستنی گوهه‌هه ری حه‌قیقی خویان، پیویسته بینه ئهندامی دوورگه‌ی ئازادیخوازان و بینه مروقیکی خاوهن  
فکر، ئیراده و باوه‌ری. بهشداربوونی گهنجان بُو ناو ریزه کانی گهربلا به واتای دهربازبوونیان بُو ناو دونیا و ژیاتیکی پر واتایه که به  
دوور له چهمک و دهسته‌واژه‌کانی ناشایست و چه‌په‌لی سیسته‌می شهربی تاییه‌تاهه. درباربازیوون بُو ناو کومه‌لگای ئازادیخوازان به واتای  
بوون به مروقیکی نوی و گهشانه‌وهی توانای گهنجان و تیشكدانی زنجیری کۆپیله‌تی يه. گهنجان ته‌نیا به هاتینیان بُو ناو ریزه کانی  
گهربلا ده‌توانن شهربی همه‌لاینه رژیمی شهربی تاییهت دژ به کومه‌لگا و خویان مایه‌پوچ بکه‌ن.  
له برآمبه ر شهربی تاییه‌تی رژیمی تیران و داگیرکه‌هه کانی تر له روزه‌هه لاتی کوردستان، گهنجان به بهگته‌به‌ری سیاسه‌تی دیموکراتیانه  
ده‌توانن سه‌رجمه پیلانه کانی دژ به نه‌ته‌وه و کومه‌لگاهیان مایه‌پوچ بکه‌ن. به بونیادنانی کومه‌لگای دیموکراتی و ئازادی روزه‌هه لاتی  
کوردستان ده‌توانن سه‌رجمه سیاسه‌تاهه کانی رژیم ئاوه‌زو بکه‌ن. گهنجان به بهشداریان له زیه‌نیه‌تی نه‌ته‌وهی دیموکراتیک دا ریکخستنی  
دیموکراتی خویان به پیشنه‌نگی که جهه دابه‌مه‌زیرینن. کومه‌لگایه کی بئریکخستن کراو و هک کومه‌لگایه کی بئررق و هه‌ست له قله‌م  
ده‌دهن. بُو نه‌وهی شهربی تاییه‌تی تیران له روزه‌هه لاتی کوردستان مایه‌پوچ بکریت‌هه و پیویسته گه لاتی روزه‌هه لاتی کوردستان و تاییه‌ت  
گهنجان يه کپیزی و يه کیتی نیوانیان پته‌وتبر بکه‌ن. هه‌روه‌ها گهنجان و ژنان رولی پیشنه‌نگایه‌تی سه‌رشانیان لام قوتاخه هه‌ستیاره‌دا  
به جن بھینن.



تایه‌تی ئیران بە رىگاى بەستى كۆنفرانس، كۆنگرەو كۆبۇنەوەي بە كىرىگراوه کانى كورد لە رۆژھەلاتى كوردىستان پەرە بە دىارەدە خيانەت دەدات. رەزىم بە مەھەش دەيەويت گەلى كورد لە ناسنامە و هەبۇونى راستەقىنە خۆي بە دوپورخات و بە گۈرېرى بە رەزەندىيە كانى سىستەمى ولايەتى موتلەقەي فەقىه، بېكەتەي گەنغان كە ماتەۋىزى شۇرشى ئازادىخوازى كوردانن كانالىزەي دەزگاكانى شەپى تايەتى خۆي بکات. مەلا و پاسدارەكان كە داهىنەرانى ئەسسى شەپى تايەتن لە ئيران بە رىگاى فيرگە، كار، مىزگەوت، وەرزش و ماددەي ھۆشىرەدە بە قىلىبازى و زۆرەملىو جاشايىت و بە كىرىگراوى بە سەر گەنجانى كوردا دەسىدەپىن. ئەو سەپاندەش لە بەرھەتدا كەلتۈوري دېھ بە رخودان و دېھ كەلتۈورە بە رامبەر جەوانان لەھەمان كاتدا دەستدرېزىيە كى تىرە لە دېزى گەنجانى كورد كە بە دەمامكى جىاوازتىرەدە كەلتۈوري فاحشەگە رايى داخوازانە لە بوارى هزرى، كۆمەلایەتى، سىاسى و كەلتۈوري بە سەر گەل و كۆمەلگا كەماندا دەسىدەپىن.

دیویکی تری سیاسه‌تی شهربی تایله‌تی رژیمی تیران دژ به کوردان ئوهه‌یه که هاولاتیانی کورد به گئز یه کدا ده‌دات و هانیان ده‌دات تا له‌یه کتر بکوژن، هاوکات پالپشتی یان لتن ده‌کات و روی و نیشانیان پتن ده‌دات تا سیخوری له‌سهر یه کتر بکنه و پینگه‌ی ئازادیخوازی یه کتر لاوز بکنه. نامانجی ئوهه‌ش قوول کردنی دوژمنیا تی تیوان هاولاتیانی کورد تا ببره‌ست له‌بره‌ددم پیکه‌تیانی هاوأهه‌نگی، یه کریزی و یه کیتی تیوانیان دروست بکات. بهو سیاسه‌تەش درفه‌ت بو سوپا ده‌ره خسیتیت که سوود له دۆخه و هرگریت و لایه‌تیک به‌دهه و خۆی رابیکیشیت و له‌دزی یه کتر چەکاریان بکات و دواتر له‌ناو مەنگنەی شهربی تایله‌تی خۆی بکاریان بیتیت. بەشیکی زۆری ئەو کەسانەی کە بەشداری سوپا بونون له‌چوارچیوه‌ی ئەو سیاسه‌تە چەپله‌ی دەستیان داوهه‌تە بەر چەک و دەزگاکانی رژیم یان کردوته پەناگای پاراستنی خۆیان و وەک ناوه‌ندیک لەپشتیانه‌وهه‌یه تا گەله‌که‌بان ئازار و ئەشكەنجه بىدۇن.

توندوتیزی گوهه‌ری راسه‌قینه‌ی رژیمی تئرانه کوماری نیسلامی تئران بو ئوهه‌ی سیاستی داگیرکاری به‌سهر کومه‌لگای کوردادا بسه‌پینت و پیکهاته‌ی گنهجان په‌لکیشی بازنه‌ی سیاستی خوئی بکات، له‌بهرده‌وامی سیاستی لوازکردن و بی‌کاریگه‌رکدنی کومه‌لگا، سوپای پاسداران و ده‌زگاکانی شه‌پر تایبەت توندوتیزی، رووسپیگه‌ری، بلاکردنوه‌ی مادده‌ی هوشبه‌ر، خوکوزی، تیزاب پژاندن به سه‌ر ژنان، کومه‌لکوژی که‌لتوروی به‌سهر کومه‌لگای تئران و کوردستاندا ده‌سه‌پینت. به بلاکردنوه‌ی زیهنه‌تی ده‌سه‌لاتداری ده‌یه‌ویت که‌لتوروی نازادیخوازی گه‌لان پاکتاو بکات و په‌ره به کلتوروی زنکوزی و خوکوزی گنهجان بدتات. ئوهه‌ی که حقیقته، توندوتیزی گوهه‌ری راسه‌قینه‌ی رژیمی تئرانه. له‌شوینانه که ده‌سه‌لاتداری رژیم به کاریگه‌ره، رهنگانه‌وه‌ی سیاسته‌کانی له‌سهر گنهجان و سه‌رجه‌م پیکهاته‌کانی تر زیاتره و ئاستی توندوتیزی دژ به ژنان له لونکه‌دایه. دهوله‌ت له‌پینتاو لوازکردنی تاک و کومه‌لگای روژه‌هلاات و تئران، په‌ره به کیشه کومه‌لایته‌تیه کان ده‌دات و کومه‌لگا په‌لکیشی قوولاً ده‌کات له‌کومه‌لگای تئراندا توندوتیزی چهندیک به‌رفراوان بیت، ده‌رفه‌تی مانه‌وه‌ی رژیم ئوهوندە زیاتر ده‌بیت و هیلی دیمکراسی و نازادیش به‌رهو کالابون و له‌ناوچوون ده‌روات. ئامانجى ئوهش توغاندنى گه‌ل و له‌نانا بردنى ئيراده‌ي نازادیخوازی گله‌و رژیم‌هه‌ول، دروست کدنی سوپای به‌که نگراو و کوبله‌داران ده‌دات.

بازنده‌ی شهروی تایبه‌تی رژیمی تیران به بانگشته‌ی بینه‌ما دهیه ویت جهوانان که هیز و پیشه‌نگی کومه‌لگان بین کاریگه و راکیش ناو ده‌گاکانی شهروی تایبه‌تی خوی بکات. به سیاستی له‌سیداره‌دان، گرتن و ناشکه‌نجه‌دان دهیه ویت ده‌سه‌لاتداری درندانه‌ی خوی به سرگه‌نجاندا بسنه‌پیت. رژیم به سیاستی گنج کوژی و له‌باربدنی وزو و تواناکانیان دهیه ویت کوتایی به داهیتان و گوپانکاری له‌رژه‌لاتی کوردستان بیت. بو سره‌رکه‌وتی له و پرژه‌هیدا به ریگای دیداره‌ی ئیتعیاده‌وه که به شیوازیکی سیستماتیک له‌تیوان گهنجان دا بلاؤ کردوه‌ته‌وه، پیکهاته‌ی گهنجان تسلیم وره‌برگیت و به پتی به‌رژه‌وندیه کانیان به‌کاریان بهینن. ئه ووش کردوه‌یه کی تیروپریسیتی کاربریدستانی رژیمه دژ به گهنجان. به بلاکدنده‌وه پیناسه‌وه زهنه‌یه تی ټهوهی که هیزی گهنج له کوردستان بی‌زمونه، ریگا نادات که گهنجان له‌گوپه‌پانه کانی ژیاندا چالاک و خاوهن رول بن. ئه و سیاسته له‌تیوان گهنجان توخمی بن‌هیاوی و بن‌باوه‌ری و فله‌سده‌فهی پوچگره‌ای بلاؤ کردوه‌نه‌وه. له‌ژیر ناوی سیاست درویه، گهنجان له سیاسته که هونه‌ری به‌ریوه‌به‌ردنی ژیانه دوروه‌خاته‌وه. گهنجان له‌ناسنامه و ئیراده‌ی ئازادی یان نامو-ده‌کات. به سیاستی شهروی تایبه‌تی گهنجان له کوردستان بیکار ده‌کرین و به بانگشته‌ی هه‌بوونی دهرفتی کار له شاره گهوره کانی تیران، به‌رهه ئه و شارانه رایانده کیشن. ئامانج له‌وهش خالی کردنی وزه‌ی شوپرش و بن‌پیشه‌نگ کردنی کومه‌لگایه. دواتر گهنجان روپه‌پووی تواندنه‌وه کلتوری ده‌بئه‌وه. ئه و سیاسته گهنجان هانده‌دادن ولات و نیشمانه‌که یان ته‌رک بکهن و به‌رهه هاندده‌ران کوچ بکهن. به‌وهش گهنجان له‌خاک و سرووشت و لانکوله‌ی ئازادی دوروه ۵۵ خریته‌وه. له‌تیوان پیکهاته‌ی گهنجان هه‌ستی بن‌به‌ریسیاری له‌به‌رامبهر کومه‌لگا و میژووه‌که‌ی بلاؤ ده‌کریته‌وه. به‌گشتی رژیمی شهروی تایبه‌تی تیران ده‌یه‌ویت وزه‌ی چالاکی گهنجان که‌نالیزه‌ی ده‌زگاکانی ده‌لولت بکرین و ئه‌وانه‌ش چهمکی

گهلى کورد و جهوانانی کورد خاوهن میژوویه کی گرینگن. چیروکی کاوهی ئاسنگر له بهرامبهر دووزمنان و دهسه‌ه‌لاتداران سومبولي هیزی به رخودانی جهوانانی کورد و گهلى کورده. کاتیک زوحاک ئیله‌ویت میشکی جهوانانی کورد بخوات و ئهوان بن ئیراده بهیلیت و له بهینیان بیات بې پیشنه‌نگایه‌تی کاوهی ئاسنگر جهوانان سه‌رهه‌لدان ئه‌کهن و سیستمی دهسه‌ه‌لاتدار و زالمی زوحاک دهروختین. له دیرۆکدا چه‌نده چیروکی ناواکردنی سیستمی دهسه‌ه‌لاتداری هه‌یه له‌هزیاتر چیروکی به رخودانی ئهوانه‌ی که له‌رامبهر دهسه‌ه‌لاتداری شه‌پیان کردوه و تیکوشانیان کردوه هه‌یه. زیه‌نیتی دهسه‌ه‌لاتدار میژوو له خویه‌وه دهست پئی‌ده‌کات و ته‌نیا باس له سیستمی دهسه‌ه‌لاتداری خوی ئه‌کات. به هه‌موو جوریک هه‌ولئه‌دات چیروکی گه‌لانی ئازادی خواز له میژوودا بسپریته‌وه. به‌لام بې‌گومان هه‌رچه‌ند زیه‌نیتی دهسه‌ه‌لاتدار بیهه‌ویت تیکوشانی ئازادی بشاریت‌وه به‌لام ناتوانی له به‌رامبهر تیکوشانی گه‌لانی ئازادی خواز بیت به به‌ربه‌ست. تیکوشانی ئازادی هه‌میشه له بیری کۆمه‌لگادا زیندوو ده‌مینیت؛ چون به جهوه‌ه‌ری سرووشتی کۆمه‌لگاوه په‌یوه‌ندی‌داره. ئه‌و شه‌رهی که له سه‌رده‌می تیمه‌دا له به‌رامبهر به‌جهوانان به‌پیوه ده‌چى به ئارمانجی ئه‌وه‌ی که جهوانان بیاته ژیر دهسه‌ه‌لاتداری خوی به‌لام به ریگا و ریازنیکی جیاوازه‌وه ئه‌و شه‌ره به‌پیوه ده‌بات. و به‌شیوازیکی نه‌رم و شاراوانه شه‌ر ئه‌کات. يه‌کیت له ریگو ریسازه‌ی شه‌ری داگیرکه سیستمی په‌روه‌رده‌یه. مندالانی تهمه‌ن ۶،۵ ساله ئه‌خاته ناو سیستمی په‌روه‌رده‌ی خوی. مندالانی کورد به زیه‌نیتی دهسه‌ه‌لاتداران گه‌وره ده‌بن و (زمان، چاند، ناسنامه‌ی نه‌تە‌و‌کیان) له‌بیر ئه‌کهن و فیر ده‌بن که وک که‌سیک داگیرکار ژیان بکه‌ن و چیتر ناتونن ژیانیکی ئازاد بۆخویان هه‌لبزیرن ئه‌ممه به‌م واتاییه که جهوانان بې‌ئیراده و ته‌سلیمی خوی ئه‌کات. سه‌ره‌رای ئه‌وه‌ی که دووزمن به هه‌زاران ریگاواری‌باز ویستوویه‌تی جهوانان بخاته ژیرکاریگه‌ری سیستمی خوی بؤه‌وه‌ی که بۆ به‌رژه‌و‌ندی خوی به‌کاری بھینیت به‌لام تا ئیستا نه‌یتوانیوو بگاته ئارمانجە‌کەی.

له میژوودا هه‌یه که جهوانان توانيویانه له به‌رامبهر دهسه‌ه‌لاتداری سه‌رهه‌لدان بکه‌ن و تیک بشکتین و له ناوی برن. جهوانانی ئازادی خواز بۆ‌شهر کردن له‌رامبهر ئم سه‌رده‌مدا ته‌قگه‌ری جهوانان به پیشنه‌نگایه‌تی کاوهی هه‌مدهم ئالای تیکوشانیان به‌رز کرد و سه‌نگه‌ری به رخودانیان گه‌وره‌تر کرد.

ئه‌وه‌ی که ئه‌مرو له‌رامبهر داگیرکاری و زوملی داگیرکاری شه‌ر ده‌کات؛ تیکوشین و به رخودان ده‌کات؛ گریلاکانی کوردستانه. ته‌قگه‌ری ئاپویی به پیشنه‌نگایه‌تی گریلا له چوارپارچه‌ی کوردستان له به‌رامبهر دووزمنی گهلى کورد شه‌ری ئازادی گهلى کوردستان ده‌که‌ن. سه‌رکه‌وتیک و که گریلا به‌دهستی ده‌هینیت؛ پرسی (ئه‌ساسی سه‌رکه‌وتی گریلا چیه؟) دیته سه‌ر باس و ولامی ئه‌و پرسه راستی ریگا شورشی کوردستان نیشان ئه‌دات. گریلا کوردستان سه‌ره‌تا هیزی خوی له سه‌رۆک ئاپو ده‌گریت. سه‌رۆک ئاپو ته‌نیا گریلا کی که شه‌ر بکات نه‌ئافراند به‌لکو گریلا کی خاوهن فکری ئازادی کۆمه‌لگا؛ ئازادی ژن و حه‌قیقه‌تی ژیان ئاوا کرد. (گریلا کی که ژیان ئاوا ده‌کات ئافراند.)

دووزمن به ریگا و ریازنیکی جیاواز گهلى کورد و به تاییه‌ت جهوانان بې‌ئیراده ده‌کات. بې‌ئیراده بوبوین بې‌هیز بوبوین و بې‌تیکوشین بوبوین ئاوا ده‌کات. که‌سیک که به‌شداری ناو گریلا ئه‌بیت ده‌ستپیک ئیراده‌ی تیکوشین له به‌رامبهر دووزمن په‌یدا ده‌کات. لیزه‌دا ئه‌ممه بۆخو په‌روه‌رده‌یتیکه. و به په‌روه‌رده‌یتیکه و ئه‌بیین، ئه‌و جهوانانه‌ی که له ناو کۆمه‌لگادا بکه‌ن بئیراده کراون هیزی شهر کردنی خویان له به‌رامبهر دووزمن ئه‌بیین. ئه‌و جهوانانه‌ی که پیشتر له دووزمن ئه‌ترسان ئیستا بونه به که‌سایه‌تیک که دووزمن له ده‌کات ئه‌ترسى.

جه‌وه‌ری سه‌رکه‌وتی گریلا راستی ژیانی گریلا و ئارمانجی گریلا. ژیانی گریلا له سه‌ر مادییه‌ت نییه به‌لکو ژیانی گریلا له سه‌ر مه‌عنه‌ویات ئاوا کراوه. مه‌عنه‌ویاتی گریلا، هه‌ستی هه‌فالتی، خوش‌ویستی گهل، فداکارتی و تیگیشتن له ژیانه. له به‌رامبهری ژیانیک که دووزمن ئه‌یداته جهوانان که له ناویدا؛ خیانه‌ت، کۆیله‌تی، فه‌رددگاری، دوور بوبوین له کۆمه‌لگا، خەیالى بچووک هه‌یه، له حائیکدا ژیانی گریلا کۆمینا، بې‌حیسابه، به مورال و که‌یف‌خوش، به‌وره و هه‌میشه سه‌رکه‌وتون بۆخویان ئه‌ساس ئه‌گرن. له فکری گه‌لدان و گیانیان بۆ‌گه‌ل فیدا ئه‌کهن، ته‌نیا بۆخویان ژیان ناکه‌ن به‌لکو بۆ هه‌مه‌و گه‌لانی جیهان ژیان ده‌که‌ن، خەیالى کوردستانیک ئازاد و جیهانیک ئازاد ئه‌کات. هه‌روهه‌ا گریلا خاوهن ئارمانجیکی گه‌وره‌یه، ئارمانجی ئازاد کردنی کوردستان و ژیانیک ئازاده. هه‌ستی ئازادی هه‌میشه مروف زیندوو ئه‌ھیلیت و ئه‌بیت‌هه‌یه گه‌ل یکوکلین و خواستی تیکوشین، دووزمن به سیستمی په‌روه‌رده‌ی خوی جهوانان له زانا بوبوین له تیگیشتنی واتای ژیان دوور



# گریلا بوبوین

## لە به‌رامبهر دووزمنه گه‌وره‌ترین چالاکی

رۆهات رۆوار

زیه‌نیتی دهسه‌ه‌لاتدار خوی له سه‌ر بیهیزکردنی ئیراده کۆمه‌لگا ئاوا ده‌کات. کۆمه‌لگا هه‌رچه‌ند بې‌ئیراده بکریت؛ سیستمی دهسه‌ه‌لاتدار که له سه‌ر زه‌حمدە ته‌کانی کۆمه‌لگا خوی ئه‌زیتیت ئه‌وه‌ندە ته‌مەنی خوی دریزه‌پی ئه‌دات. بونون و نه‌بونون خوی به هیشرش کردن له سه‌ر نرخه کانی کۆمه‌لگا (کۆمه‌لگا) که به‌و نرخانه خوی له سه‌ر پې‌ئه‌ھیلیت و به هیز ده‌کات (ئه‌بینی. ئه‌گه‌ر لە به‌رامبهر نرخه کانی کۆمه‌لگا سه‌ر بکه‌ویت ئه‌وکات ته‌مەنی دهسه‌ه‌لاتداری زیاتر دریزه‌پی ئه‌دات و ئه‌گه‌ر لە به‌رامبهر ئه‌و نرخانه کۆمه‌لگا سه‌ر نه‌که‌ون تیکوشان و له ناو چووینی ئه‌وان ئه‌که‌ویت‌هه‌ر رۆژه.

جه‌وان له زیندوو ماينی کۆمه‌لگا خاوهن ئه‌رک و تاییه‌تمه‌ندی پیشنه‌نگایه‌تین؛ زیه‌نیتی دهسه‌ه‌لاتدار له به‌رامبهر جه‌وانان شه‌ر ده‌کات و ئه‌یه‌ویت که جهوانان به‌خاته ژیر دهسه‌ه‌لاتداری و زیه‌نیتی خوی. له میژوودا دهوله‌تە دهسه‌ه‌لاتداره کان بۆ‌ئه‌وه‌ی که دهسه‌ه‌لاتداری خوی پاریزىن و گه‌وره‌ی بکه‌ن؛ جهوانان به‌کار ده‌ھیتین و هیزی جهوانانی ده‌ھیتیت. کاتیک سیستمی دهسه‌ه‌لاتدار چ به کۆیله‌کردنی جهوانان بۆ‌خویان به‌کار ئه‌بینین له ئه‌سادسا کاراترین هیزی کۆمه‌لگا له بیین ئه‌بین. ئه‌و به‌و واتاییه که هیزیک که پیشنه‌نگایه‌تی کۆمه‌لگا بکات و کۆمه‌لگا به‌رەو ئازادی ببات و بگه‌بینیت‌هه‌ر راستی ژیان؛ به دهست دهسه‌ه‌لاتداران و دووزمنان له بېین ده‌چن. بې‌گومان له به‌رامبهر دهسه‌ه‌لاتداران نه کۆمه‌لگا به راحه‌تی چوک دانواندووه و نه جهوانان بې‌هله‌لیست ماون. لهم بواره‌دا

ئەکات. جەوانىيەك كە مىزۇو، زمان، ئەدەپياتى خۆي نەزانىت و كۆمەلگاى خۆي ناس نەکات درووست ئەکات. گريلا بۇوين قەبۇول نەكىدىنى ژيانى دەسەلاتدارىي، گريلا بۇوين گرتى تۆلەي سەدان سالھى گەلان لە دوزمنە. گريلا بۇوينىگە يشتن بە كەسايەتى ئارىن ميركان، زىلان و سەركەوتنى كۆپيانىيە، گريلا بۇوين رزگار كردىنى ژنانى شەنگالە لە دەست داعش و ئازاد كردى رەقايە، گريلا بۇوين ئازاد كردى كوردىستانە. بۆيە دووژمنى گەلى كورد لە گريلا ئەترسىت.

بۆئەوەش گەورەترين چالاکى لە بەرامبەر بە دووژمن، بۇون بە گريلايە. سەركەوتنى شورشى رۆزھەلاتى كوردىستان، ئازادى رۆزھەلاتى كوردىستان گريلا بۇوينە. بېۋىستە هەر جەوانىيەكى رۆزھەلاتى كوردىستان بىانىت كە بە بەشدار بۇوين لە ناو رىزەكانى گريلا گەورەترين زەربە لە دووژمن دەخات و لە بەرامبەر دووژمن ھىزىيەك دەرسەت دەيىت. و تەنبا ھىزىيەك دووژمن بنېخات ھىزى گريلايە. هاتن بۇ ناو گريلا ئەركى ھەر جەوانىيەكى خاوهن و يىزدان، ھەستى ئازادى و ولات پارىزىيە.



## گەنجىپەتى

### گەران بە دواي شوناسدا خنکان لە پەراوىزدا

شاخەوان كۆيىستانى

#### ماھىيەتى گەنجىتى

بەر لەھەممۇ شىتىك كاتىك قىسە لە سەر گەنجىتى (لاويتى) دەكىين بەپىويسىتى دەبىنەم خۆ لەپىوانە بايۆلۈزىيە كان بەدۇورىگەم، ئەگەرنا لەپۇوى سۆسىيەلۈزىيە و دەكەۋىنە نىتو ھەلەي زەق و قەبەوە. بۆيە ناكىرى "گەنجىتى" بەتمەن ياخود پىزىيەكى تەمەندارى بېپۇين. تەنانەت ئەگەر بەتەنبا لەچوارچىيەتى توپىزىالىشدا لىي بېۋانىن، ئەوا تىپۋانىنە كامان لە بەرتهسەكى و جوينەوهى چەمكە سواو و مەئۇفە كان پۈرگەمان نايىت. ئەمە بەو واتايە نايىت لايىنە بايۆلۈزىيەكەي لاويتى و پۆلينكىرنە توپىزىالى و چىنایەتتىيەكانى سۆسىيەلۈزىيا (كۆمەلناسى) بەھەندە ھەلەنگىرن، بەلام ناكىرى بىنە پىوانە و خالى پىيەلگەتن بۇ باسخواسى لاو و لاويتى. بۇ نۇونە ئەگەر بەگۈيەرەي پىوانەتى تەمەندارى (بايۆلۈزى) بىت ئەوا نىسوھى كۆمەلگاى كوردەوارى و كۆمەلگاكانى خۆرھەلاتى ناوين گەنچ و لاون (بە كچ و كورپانەوە). بەلام لە راستىدا كۆمەلگاى كوردەوارى و ئەوانەتى خۆرھەلاتى ناوينىش كۆمەلگاى پېرو پەككەوتەكانە، بەو واتايە جۆرە كۆمەلگايانە كەن دىنامىكىيەتىان لەپەلۈپەكتۇوە. لاويتىش واتا دىنامىكىتى كۆمەلگا. ئابا دەكرى نىسوھى كۆمەلگا بە "توپىز" يېك پۆلين بکەين؟. لە ھەمانكەندا لە كۆمەلگاكانى خۆرئاوادا -- بەتايىت ئەورۇپا -- بەپىوانە بايۆلۈزىيەكە پىزىھە لowan كەمە و تادىت كەمتىش دەبىتەوە. ئايىا لەم حالەتەدا دەكىرى لەپۇوى دىنامىكى كۆمەلەلەيەتىيەوە -- نەك لەپۇوى ژىارى و شارستانىيەتەوە -- كۆمەلگاكانى ئەورۇپا بە كۆمەلگاپىران و بە سالاچۇوان دابىنیيەن؟.

بۆيە بەمەزەندەي من، لاويتى لەپۇوى "دىنامىكىيەتى كۆمەلەلەيەتى" دىاردەبىت كە لەلاويتىدا دەھېت ياخود نا. بۇ



و گنجه کامان تراژیدیاتر، هر ئوهنده له پلپو ده که وئیدی به دور له هەر سۆز و خوشەویستییەک په راویز ده خرى و له کونجیکی مالدا یان له خانەی پیرو په کەوتە کاندا، هەندیک جاریش له کۆلان و بازار فریده دریئن. ئیدی هەر گنجه کان سەركوت ناکرین و په راویز ناخرین، به لکو ھەمومنان یەکدی سەركوت ده کەین و له چوارچیوهی سیستەمیکی سەركوتکەرانەدا خۆمان و کۆمه لگا بەریوھە دەبەین. خۇ ژنان بەگشتى و کچانى گەنج و قەیرەكچ و پیرەۋەن لە تراژیدیاترین رەوشدا دەزىن. ئەی کەواتە كى مايەوە له تیو ئە و کۆمه لگایەدا سەركوت نە كریت و ئازادىيە کانى لى زەوت نە كرابىست.

بُویه پیموایه بهر لهه مهو شتیک هه ر کومه لگایه ک له دوخی "میگه لبوون" رزگار نه کریت و تاک نه گاته ئه و ڈاسته بے گیانی تاکتی - نه ک میگه لبوون - بژیت، نه ک هه ر گنه کان ته نانه ات سه رجه م کومه لگا زور به دوور ده بیت له وهی پی بگووتری کومه لگایه کی سقیلی هاوچه رخ و ئازاد. جگه له ناسنامه میگه لیتی هیچ ناسنامه یه کی دی پینادریت. ئیدی له ئاکامدا کومه لگایه کی به مجوزه بهره و کوئی بخوازی ده تو استه بکریت. ئه مهش بهواتی ئینتیحاري کومه لگایه ک دیت که نه یتوانیو نه زادی بو تاکه کانی خوی فه راهه م بکات پروسه یه ک بو هزراند ... پروسه یه ک بو چه پاند

هه لبته که گهنجان  
 ۵۵ مه که سانی  
 ۵۵ بنه ئاراسته کراو -- نه اک  
 ئاراسته کار -- به پله‌ی  
 یه ک له بى ئيراده‌ي و  
 نه هزاراندى خويانه‌وه  
 سره رچاوه ۵۵ گريت.  
 هه رخوشيان باجي  
 ۵۵ مه

که گهنج خوی پرۆسەی هژاراندنسى نەبىٽ و خوی نەبىٽە خاوهەنى دروشمى خوی، ئەوا لهبوشايىدا دەزىت. بهمەش ھەر رەوتىكى ئايدىيۇلۇزى يان كۆمەلایەتى راپىچى ناوخۇي دەكەت و دەتوانى پەلكىشى نىيو تەلەزگە خەتەرناكە كانى خوئى بىكەت. ئىدى ئەممە ھەر چ رەوتىك دەبىت باپېت كە گهنج خوی پرۆسەی هژاراندنسى نەبىٽ و خوی نەبىٽە خاوهەنى دروشمى خوی، ئەوا لهبوشايىدا دەزىت. بهمەش ھەر رەوتىكى ئايدىيۇلۇزى يان كۆمەلایەتى راپىچى ناوخۇي دەكەت و دەتوانى پەلكىشى نىيو تەلەزگە خەتەرناكە كانى خوئى بىكەت. ئىدى ئەممە ھەر چ رەوتىك دەبىت باپېت. گرفسى گەنجانى ئىمە ئەوهەيدە كە بىٽ رەوتەن، نەيانتوناينىوه بەپىچەوانەي رەوتە نەريتى و باوهەكانى نىيو كۆمەلگا يان رەوتە خوازراوهە كان مەله بىكەن و خاوهەن رەوتى خۆيان بن. ئەممە له كاتىكدا گەنجىتى بۆخۇي واتا ئافراندنسى رەوتە نۇي و نامە ئالۇفە كان. ئىدى ئەممە له ئاستى هژرى و رۇوناكىرى بىت يان سىياسى و كۆمەلایەتى، گىنگ ئەوهەيدە نەبىٽە خەلۇوز و وزەي رەوتە باوهەكان، تۆ بروانە بىزاقى خويىندكار و لاوانى ئەورۇپا لەسالى ۱۹۶۸ ھەممۇ ئەورۇپايانە ھەۋازان، بچىمەكى دىكە و گيانىتكى دىكەي بەئەورۇپا بەخشى. ھەرەھا "بىزاقى لاوانى شۇرۇشكىتى كوردستان ( ئاپچىيەكان) لەناوهە راستى حەفتاكاندا لەباكۇورى كوردستان تۈركىيە خىستە ناو گىۋاچىكى مەزىنەوه، تارادەھە ھەۋازاندى يېڭە كانى دەولەت چۈوهە. ھەرەھا بىزاقى خويىندكاران لەسالانى ھەشتاكان دەرسەلات، دەسىمەت، "حىن، ئى ھەۋا زاند و سەنۋەتكى، بە دان.

هلهبته که گنجان دبنه کهسانی ثاراسته کراو -- نه ک ثاراسته کار -- به پلهی یه ک له بن تیراده یی و نه هزارندنی خویانه و سره رچاوه ده گریت. هر رخوشیان با جی ئمه ۵۵۵. له م رووه و سه رجهم رهونه کان، به سه له فی و ناسه له فیانه و، بسو گهیشتن به مه رامه کانیان گنجان به باشترین وزه و توانست ده بینن بسو به تامرازکردن و ثاراسته کردیان. ئمه ش له کومه لگای ئیمه دا تراژیدیا زور مه زن، لتهک و تهه و، تاحنه ندین سال، دیکه ئاسه وه اکانه، به زق، ۵۵ منتبه.

ململانی نهوه کان.....گه نجه کان تسدا دهدورن!!

که باس له ململاتی نه ته وه کان ده کریت جیاوازیه کان به بیری مروقدا دی. به لام کو ائه و جیاوازیانه هی نه ته وه یه ک لنه ته وه یه ک دیکه جیاده کاته وه، ئیمه ئیستا نه وه یه کی ۸۵ سالیمان هه بیه و له روروی ئه قلیبیه و چه مک و چالاکی نواندنه وه هیشتا بالاده سته و به ده سله لاته. ئه و

نمونه نه گهر لواون له تیو کایه کانی کومه لگادا دینامیکیه تیان تیکشکیتابن و ده زگا و پیکهاته کومه لایه تیه کان (خیزان، دایانگه، باخچه هی مندالان، قوتا بخانه و زانکو) لاوانيان خه ساندبن و له رووی هزراندن و چالاکی نواندنده وه پاسیفکرابن، ئایا چ به ھایه کی ده بیت نه گهر یاسا ریگه یان بدات بچنه په رله مانه وه، یان پوستیکی ۵۵ مسه لات و هربگرن؟، بؤیه له و باوه ره دام گرفته که لیره وه دهست پیناکات که یاسا ریگه به لواون نادات ببنه په رله مانتار، به لکو ئمه رووکاري مه مسە له کي يه. خو ئه گهر سه رجهم په رله مانتاراني په رله مانى کورستان یان په رله مانى ئيراق له لواون بن ديسان ئه وه قهيران و کائیوسه هی براڤى لواون تیکه و توووه تینا په ریزتری و گرفته قووله کانی لواون له نیو سه رجهم ده زگا و پیکهاته کومه لایه تیه کان چاره سه ر نابن. تیستا ریزه ه زیاتر له ۰۲۵٪ کورسيه کانی په رله مان بُو ژنانه، به لام که ژن به ئه قلیه تى پیاواسالاري په روهه رده کرابیت و خاوهن ناسنامه و ئیراده و هزري نازادي خوازانه هی ژنتي نه بى، ژنه په رله مانتاره کان چ بو ژنه خيرله خو نه ديوه کان ده کهن؟ که ژنانی په رله مانتار یان و هزيره ژنه کان به ئه قلی پیاواسالاري بو سیسته مى پیاواسالاري بيربکه نه وه - که به داخله وه واده بیزئي -- چ هنگاویك و دهستکه و تیك بو ژنان به دهست ده هينن؟ مه مسە له ی لواينش هر ئاويه. که لواون -- به كچ و كورانيه وه -- كچ و كورى خيزان و خيل و حبى ناسقيل بن و له هزز و چالاکيدا له پيران و به سالاچووان بچن له نیو هولى په رله مان و له پوسته حکوميي به رزه کاندا ده توانن چ به دهست بهيین؟ له برهئه وه پیم وايه گرفته که ره هندى زور قوولتري هه يه و پیوسته هه ولبده ين له ره گه و گرفته کان چاره سه ربکه ين يان لئى بروانين، نه ک له ئاستي توپکلى و رووکاريда.

پرسیاری گرنگ لیرهدا ئوهیده، داخواله واقعی ئیستای کومه‌لگای کوردیدا شتیک هەیه بەناوی "نەوهى نۇرى؟" هەلبه تەلەمەسەلەی 55 دەستینیشانکردنی نەوهە کان يان ھەلاۋىردەکىرىنى نەوهە کان لەيە كىيىش ناكرى مەمانە بەپیوانە با يولۇزىيە کان بکەين، وەك ئیستا دەبىزىت، كە ھەر 55 سال يان پازدە سال بۆ تەمەنى نەوهى كە دەستینیشان دەكىرىت. ئەگەر وا لىتكەدەينەوه، ئەوا جىگە لە خۇۆ بەھەلە دابىردىن و خۆخەلە تاندىن شتىكى دىكەي لىوھ بەرهەم نايەت. بەبروای من نەوهە کان بەپیوانەی ھزراندىن و چالاکى نواندىن، ياخود بلىيەن بەچەمك و بەشىوهى بېركىرىنەوه و جۇر و ئاستى چالاکى نواندىن لەيە كىدى جودادە كىرىنەوه و ھەلاۋىردە كرىن. ئەمەش ناكرىت بەشىوهى كە كۆنكرىتى و چەسپاۋ دە سال يان زەمەنیكى دىكەي دىيارىكراوى بۆ دەستینیشان بکەين. بۆ نۇونە لەئەوروپا نەوهى رىنسانس ھەيە، كە نزىكەي سىن 55 دەيىخىدا خاياندووه، بەر لەوهىش نەوهى تارىكى ھەيە لەسەدە 55 کانى ناوهە راستدا چەندىن سەدە 55 خاياندووه. بەلام سەدە 55 خاياندووه، بەر لەدواتى جەنگى دووھەمى جىهانىدا دەستىپېكىد نزىكەي 55 تا پازدە سالى خايانىد. لە خۇرەھە لاتى ناوينىش سەدە 55 زىپىنى ئەسحابە كانى پىخەمبەر ھەيە كە نزىكەي پەنجا تا شەست سالى خايانىد. لە كوردىستانىشدا نەوهى "رىنسانسى نىوه چىل" ھەيە كە بىست تا سى سال دە خايدەن تى لە كۆتايلە كانى سەدە 55 نۆزىدە و سەرەتاكانى سەدە 55 بىستەم. ھەروھە نەوهى راپەرین ھەيە، كە لەپاپەرېنى نەوهە 55 و يەكەوە تا ئىستا بەرددامە، چەندەي دىكەش بەرددام دەبىت ديار نىيە. بىنگومان لەھىنانەوهى ئەھەن نۇونانەدا مەبەستم ئەھەن نىيە كە ئالۇڭوڑە سىاسىيەكان نەوهە كان پۇليلن دەكات. بەلام كاتىك نەوهى كە ويىتەوه، وەك چۈن وەرچەرخانى ھزرى و كولتوورى و كۆمەلەيەقى چالاکى دەنۋىنى ئەوا گۇرۇنكارى سىاسىيەنى لىنەدە كە ويىتەوه، وەك چۈن وەرچەرخانى ھزرى و كولتوورى و كۆمەلەيەقى و ئابۇورىشى لىت بەرھە مدېت. دەبىن ئەھەش بلىم نەوهە ھەيە ھەممۇ ئەھەن گۇرۇن و وەرچەرخانانە بەدىيىتى، نەھەش ھەيە نەزۆك و چىروكە. لەلایەكى دىكەشەوه كاتىك دە توانرى قىسە لەسەر ناسنامەي نەوهى كە بکەين كە زەمینەيە ھەلکشانى تاڭ لەنئۇ كۆمەلگادا ئافەرېزىبىت، يان راستى بلىيەن تاڭ كان لەزەمەن و شۇينىكى دىيارىكراودا دە توانى مەلدا كانى "كۆمەلگای نەريتى" و "كۆمەلگای فرمى" تېبېرېتىن، ئەھەن كاتە تاڭ كان -- سەرەپاى خاللى جىاوازى يېھە لىگرتىيان لە رۇووي ھزراندىن و چالاکىيەوه - لەشىوهى گىربۇونەوهى كە دەستە جەمعىانەدا نەوهى كە، جۇدا لەنەوهى

باو و نهريتى و ده سەلاقدار، لەئاستى هزاراندىن و چالاكيدا دەئافريين و دەبن بەنهوهىيەكى جودا. بەگۆيرەي ئەو لېكدانەوانە، ناكرى باس لەنهوهىيەكى هزرمەند و چالاڭفان لە واقيعى ئىستايى كۆمەلگاى كوردەوارى بىرىتت. لەبەرئەوهىي كە نەوهىيەك سوورى خۇي تەواوكرىدىت و بەرھەمىمى هزاراندىن و چالاکى خۇي دەركەوتىتت لەئارادىن

ململاتیانه‌ی لگه‌لئه نهوهیدا کراوه ممللاتی رووکارو پچر پچر و لاواز بwoo. چونکه ئهوانه‌ی بانگشەی نهوهیتی و هب‌بوونی جیاوازیه‌کانیان ده‌کرد له‌گه‌وهه‌ر و ناوه‌رۆکدا به‌همان ئەقلییه‌ت و کارکردن‌وه بیون که نهوه تەمەن هەشتا سالییه‌که هەیه‌تی. بۆیه ئاکامی ھەموو ممللاتیکان چوونه‌و تەسلیمبیون بیووه بیو نهوه رزیووه هەشتا سالییه. بۆ نوونه له‌ناوه‌راستی شەسته کاندا نهوهیدا، له کایه‌ی سیاسیدا — که پییان ده‌گووت جولالییه‌کان — بانگشەی جیاوازیه‌کانی خۆی کرد، وهلى زور ناخایه‌نى ده‌چیتەو تامیزی باوکى خۆی و تەسلیمی ده‌بیتەو. ئىدی ئە نهوهیدا هەر ئە و کاتە مرگى خۆی راگه‌یاند، نهوهیدا کى چروك و نه‌زۆك بیو. چونکه نهیتوانی پچران و دابراتیک له‌پرووی ئەقلییه‌ت و چەمك و چالاکیدا بئافیرینى، کە نهیتوانی ئە و ئەرکە ئەنجامبدات بەرەو ئە و مەنزىڭلایە گەپاپیده و کە لىيەوه هاتبۇو. تەنانەت ئەمجاره ھەمان ئە و نهوه خاوهن بانگشەیه نوینه‌رایه‌تی ھەمان ئەقلییه‌ت ده‌کات. له سەرتاي حەفتاكانیشدا ھەولدىتىك له‌وهى شەسته کان جىدىتى ئەنجامدرا (کۆمەلەر رەنجدەرانى كورستان). بەلام له بەرئەوە لەپرووی ھەزانىندەوه نەگەيشتە ئاستى كاملبیون و يەكلاپونه‌و و لەپرووی كرده‌يى و چالاکىشە‌و نهیتوانی چەپى كلاسيك و دۆگما تىپەرپىنى، له ئاکامدا ئە و نهوه بەش بیو بەئامازىيکى دەستى نهوه خەواللو و چۈركە كە بەرلەخۆي. لەو باوهەدام ئەگەر ئە و نهوهیده دووچارى پاكتاوكاري جەستەيى و مۇرالى نەبوبويە ھەيتىۋى ئېپەرەنديتىك يان دابراتىك بىيىتە کايىدەو کە جیاوازیه‌کان بىنمەمى بىيت. پىيموايە نهوهیدا بانگشە جیاوازه‌کانى خۆي بىكەت و سىستەمى زېھنى و كرده‌يى پېنچ ھەزار سالىي دەولەتكەر راي باوک

سالاری به قولی شینه کاته ووه لیت تینه کات هه روا به ئاسانی ناتوانی له به رامبه ریدا ياخې بېتت و پىداگرى له سەر جيوازىيە كانى خۆبى بکات و "نهوه" يېتى خۆبى بچە سپىتى. ئەگەرنا بەر لە دەستپىكىرىدى مملانىتىكان دۇراون، رىنيسانسخوازە كانى ئەورۇپا تارادىيەك ئەكمەيان ئەنجامدا. بۆيە توانيان بىن بەنه ووه يەك و تەوه اووي نە ووه كانى دواي خۆبىان بخەنە ژىركارىگەرەي خۆيانەوە. سىستەمە زىھىنى و كىردىيە باوهەكەي ئەو سەر دەمەيان خستە ژىر پرسىيار و گومانكىرىدەوە. ئىنجا توانيان لە گەل بانگە شەكانيان راستگوبن. ئىمە نە ووه يەكى بەم تايىەتەندىتىيانەمان تىدا ھەلەنە كەوتۇوه، بۆيە قىسىمە كەردن لە سەر مملانىتى نەوهە كان لە كۆمەلگا ئىمەدا تائە و ئان و ساتە واقىعى نىيە.

لە پروپىكى دىكە ووه، نەوهە يېتى و نەوهە بۇون تايىەتەندىتىيە كى گشتىگىرانە شە، نەك پارچە و پچىپچىرى، كە لە ميانەي سىستەمەنلىكى زىھىنى و كىردىيە نويۇو سەرتاپايدا كايە و بوارە كانى ژيانى كۆمەلگا دەخاتە بەرلىشاوى خۆبىوە، خاوهەن پراديگىمايدەكى نوين بو تاك و كۆمەلگا و دەسەلات و مىزۇو و ئايىنده بوارە جيوازە كان. بۆ نۇونە رىنيسانسى ئەورۇپا رىنيسانسىكى گشتىگىرانە و سەرتاپاگىر بۇو، وەلتى "واقىعىيەتى نويى ئىتالى" و "شەپول نويى فەرەنسى" لە دواي جەنگى دووهەمى جىهانى زياتر لە بوارى سىينە ماذا چىرىپۇوه. لە كۆمەلگا ئىمەشدا؛ نەوهە كان نە ياناتوانىو پېھەلگىتن و جيوازىيە كانيان گشتىگىر و سەرتاپاگىر بکەن. شىيخ نۇرى و شىيخ سالح و عەبدوللە گۇران تەنبا لە بوارى ئەدبىاتدا، لە ئەدبىاتىشدا لەشىعردا "نەوه" ن. بۆيە ئەو نەوهە كە لە پروپى زىھىنى و كىردىيە و گشتىگىرانە پىنه لە ئەنۋەنلىكى گشتىگىرانە ئەنجامبدات. نويخوارە كانى هەشتاكانىش لە شىعر و چىرۇك زياتر نە ياناتوانى پەلھاوىزى ھەممۇ كايە و پىكتە كە كۆمەللايەتىيە كان بکەن. دەكرى لە بوار و كايە كىدا "نەوه" بن، بەلام نەوهە كى ناكامل و شىۋاوى لى دەردە چىت. لە ئاكامىشدا سىستەمى زىھىنى و كىردىيى باوكسالارى توانستى ئىختىوا و مالىكىردن و كەويىكىرىدى بەسەر ئە و نەوانە دە دەبىت و دەتowanى بېتتىكى گشتىگىرانە ئەنجامبدات. نويخوارە كانى هەممە پەنگ و دەولەمەند ناپىت. بۆ نۇونە سىستەمى زىھىنى و كىردىيى سەدە كانى ناوين نە ياناتوانى بەر بەلىشىلىنى رىنيسانسخوازانە ئى دانتى، پەتارق، مایكل ئەنجىلىق، دافنىشى، شكسپير، گاليليو... هەتد) بىگرن. لە ئاكامىدا رىنيسانسخوازانە كان سەر كەوتۇن، جونكە خاوهەن ئەقلېيەتىكى گشتىگىر و سەرتاپاگىرە بۇون.

ھەمسە پىنه لە ئەلگىتن ...

ئىدى ئەگەر نەوهىيەك بانگەشەي نەوهىيەتى و نەوهبوون بىكات، بەر لەھەمۇ شتىك دەتوانن بىنە خاوهەن سىستەمىتى زىھىنى -- كەردىي جىاواز و نۇرى ياخود نا؟ گرفته كە لىرە دايىه، مەملاتىكانيش لىرەرەدە دەستپىنەكەن و كۆتاياتان پىدىتتى.

ئەمەش گىكۈرۈيە كە. بەمەزەندەدە خۇم دەكىرى لەميانەتى تىورى "پېھەلگىرى - كۆتكىرى، انگلاق-- تقيىد" يەوه تاوتۇنى ئەو گىكۈرۈيە بىكرىت، تەنانەت ئەو قەيران و كائىوسەتى ناھىيەتى نەوهەكان بىنە "نەوه" لىرەرەدە سەرچاۋەن ھەلدە گرىتتى،

ھەرلەرەشەوە دەتوانرى قەبران و كائىوسەكان تېتىرىنىزى و دەرىاز بىكىن. قەبران و كائىوسەكان لەئەردەتدا بەك قەبران و



نیه. ئەگەر ئاماڑىز بەنهوھى راپەرین بکەيىن، ئەھوا نەھەيە كە لەلایەك بەخۆي بەرهەمى راپەرینە و ئەھو راپەرینى نەخولقاندۇوو، لەلایەكى دىكەشەوە نەھەيە كە لەئاكامى كرانەوەيەكى هەرەمەكى كۆمەلگا بەرروو دەھەوھى خۆپىدا - كە راپەرین سەرەتايەكى يان بېتىن بەرھەمى راپەرینە -- پۈرسەيەكى هزاراندىن و چالاڭى بەكزى 55 سەستىپەركەدۇو، ھېشتتا نەبۇتە نەھەيەكى خاوهەن سىيما و ناسىنامەي ھەزرى و چالاڭى تايىەت بەخۆي. ئەگەر وايت نەھەيە كە تازە 55 سەستى بە سوورپى ژيانى خۆي كەردىوو. ئەمەش تاچەند بىرەدەكتات و پەرەدەستىنىن جىڭگاى باسخواسە. ئەھەي 55 بىنلى ئەنەن ئەندىيەكىنچى چۈركۈون و نەزۆكى بەرەدەتىيەكىنچى پىئەلگىتن و داهىننان لەم نەھەيەدا بەدەيدە كەرتىت. ئىدى كامە لەتايىەتەندىيەكان گەرەدەنەوە، ئەھو لەسەر ئاست و رادەت ھزاراندىن و چالاڭى نواندىنى ئەھو نەھەيە 55 مىنلى. چونكە ھەر ئەم دوو فاكەتەرەيە كە دەتوانى جياوازىيەكانى نەھەيەك لەنەھەيەكانى بەر لەخۆي بخاتەرپۇو. بۇون بە "نەھە" لەبۇونى جياوازىيەكان و خىستەنەرروو ئەھو جياوازىيەكانە لەئاستى ھزرو چالاکىدا دىتەدى.

بنیگومان کومه‌لگای تیمه کومه‌لگای چه‌باندن و سه‌پاندن و سه‌نتراله. لهم کومه‌لگایه‌دا بونه‌وه‌ریک نییه ناوی "تاك" بیت. توره نه خته بووتیه کانی خیزان، خیل، حزب ناهیلن تاک هنه ناسه برات. كه تاک بئی سیما و ناسنامه بیت، "گهنج" و ئه‌وشنانه خه‌سله‌تی گهنجی پیوه بیت له‌لاه ئه و کومه‌لگایه بیواتا و بیایه‌خه. بؤیه ئه‌گه‌ر ده‌لین گهنج يان ل او واته که سانیک ههن جیاوازن له‌سه‌رتاپاکی کومه‌لگا، كه‌پیرو به‌سالاچووان يان مندالن، به‌واتا بايولوژيه‌که‌ی. به‌لام کتی هه‌یه ئه‌مرو له‌م کومه‌لگایه‌دا له‌گه‌نجیتیدا بئی؟! ئه‌مرو کچ و کورانی بنهماله و خیزان و خیل و حزب ههن. به‌لام گه‌نجیتی به‌و واتایه‌ی پیشتر ئاماژه‌مان پیشکرد تاپادیه‌کی زور نامویه بهم کومه‌لگایه. وه‌لتی له‌برووی بايولوژیه‌وه نیوه‌ی کومه‌لگای تیمه گهنج و ل او. به‌لام هر له‌قوناخی سه‌ره‌تاییه‌وه پیر‌ده‌بن و پیرده‌کریئن. ئیدی چ په‌روه‌رده‌ی مال و مزگه‌وت و ته‌کیه‌کان بیت يان میتودی په‌روه‌رده‌ی قوناخه‌کانی خویندن و په‌روه‌رده‌ی حزبه‌کان بیت گیانی گه‌نجیتی له‌گه‌نجاندا ناهیلن. هر له‌مندالیه‌وه فیرده‌کریئن خیانه‌ت له‌خه‌یالی مندالی خویان بکه‌ن و بیکوژن و سه‌رنگومی بکه‌ن. ئیدی كه گه‌وره ۵۵‌بن بئی خه‌یال و روانین و هزاراندن ۵۵‌میتنه‌وه. کومه‌لگای تیمه کومه‌لگای کوشتنی خه‌یاله‌کانی مندالیتی و گه‌نجیتیه، کومه‌لگای خیانه‌تکردن له‌تمه‌ن و خه‌یاله‌کان.

دواتریش ئەو کۆمەلگایە ھەر بەتەنیا گەنچەکان ناچەپیتى، ئەھى چى لەمندالان و پىرەکان دەکات؟ مندالان ھېشتا لهناو بېشىكەدان بەدىۋو و درنج و ئەۋدىيەھاى حەوت سەر دەترىستىزىن و ھەچەپىتىزىن، كە بېرەك گەورە و پارچەلە دەبن پىشان دەلىن: تۆ كۈرى و خوشكە كەشت كچە تۆ دەبى يەپىاو و ئەۋىش دەبىت بە ژىن، يان لە كۆللانا بەرەللىيان دەكەن

یان له ماھله کاندا سندمیان دهکن، مندالاتی نیمه بیتارزین مندالی دونیان.  
لیدان و چاوسوورکردن و دا خکردن شیوازی ههره زالی په روهدن، ئه و مندالانه که گهه ورهش دهبن ههمان پروسوه له سهه منداله کانیان دوپات دهکنهوه. رووشی پیرو به سالاچووانی نیو کومه لگاکه مان زور له پهروشی مندال

# ڙن و ره گه ز په ره ستی

# لە ئېران و رۆزى ھەللاتى كوردىستان

ڦیان جاف

۵۵- سپیک ۵۰۰۰ سال پیش که کومه‌لگای ژن-دایک بود و انه سه‌رده‌می نیولوچیک. تا سه‌واره می‌زیوویه کان ئیسه می‌تین که خود او نده کانیان هه مهو ژن بون. له کومه‌لگای ژن- دایکدا به پیچه‌وانه‌ی کومه‌لگای پیاواسالاری و کاپیتالیستی؛ هه مهو تاکیک له منداله‌وه بگره هه تا جه‌وان و پیر به بن‌جیاوازی ره‌گه‌زی له تیو کومه‌لگادا رویان هه بورو

کائیوسه، ئوپیش رەھەندىيکى زىھنى -- شارستانى قوللى خۆي ھېيە. تا ئەو سیستەمە زىھنیيە -- شارستانىيە سەراۋىزىر نەكىرى و وەرنە چەرخىزىرى تىپەربۇون و دەربازبۇونىش بىن واتان. ئىدى تو ئەو ساپىزبۇون و وەرچەرخانە بە "شۇرۇشى زىھنى" يان "وەرچەرخانى زىھنى - شارستانى" ياخود "شۇرۇشى كولتۇرلى و كۆملەلەيەتى" ناوازىدە كەيت يان بەناوىكى دىكە، لەبنەرەتدا ھەر نەوهەك جورئەت و ئامادەگى ئەو وەرچەرخان و سەراۋىزىبۇونەي ھەبىت و لەرۇوی ھزارندىن و چالاکى نواندىنە و جىاوازىيەكانى خۆي بخاتەررو و مەللاتىيەكى سەفەر بەريانەي گشتىگىر ئەنجامبىدات ئەوا نەھوبۇونى دەگەيەتىتە ئاستى ناستامە و ئىتتىما بۇ نەوهەيە كى نووي. دەرتان و تىپەربۇون لىرەوە دەستپىدەكت. ھەلبەتكە گەنجان و لەوان توانتى ھەلگىتنى ئەو ناسنامە و ئىتتىما رېنیسансخواز و روڭشىنگەرخوازىيەيان ھەيە. گەنجان لەكۈي و چۈن پىنهلەلگىرى (انگلاق) ئىخۇيىان لەسیستەمە كۆتۈگىرىيە بالا دەستە كەدا ئەنجام دەدەن؟ ئەمە گەوهەر و كۆكى جىاوازى نىوان نەوهەكانە. نەوهە كان لەپىتهلەلگىتنە كاندا جىاوازن، نەك لەجلوبەرگ و مۇدىلى قىز و سىشوار و ... شتە رووكارىيەكانى دىكەدا. نەوهە كان لەزمەمنە و شوئىتىكادا پىنهلەلگىرى و قەلەمبازى ئەنجام دەدەن، وەلى لەسەرروو ئەو زەمەن و شوئىنەشدا دەرك بەھەبۇونىيان دەكىرىت. وەك چۈن لەئان و ساتى پىنهلەلگىتندا ئامادەن، لەئايىنەشدا شاراوهن، بەلام ئامادەن. بۆيە كە دەگۈوتىرى: "مىژۇو لەرۋىزگارى ئەمېرىماندا شاراوهەيە، ئەمېرىۋەش لەقولوالي مىژۇو دا شاراوهەي" روانىنى ھەرە راست و زانستيانەيە. نەوهە كان بەم فەلسەفەيە سوورى ژيان و مىژۇووی خۆيان كامىل دەكەن و دەبن بەھەلگىرى ناسنامەيە كى نووي، ئىتتىمايە كى نووي، دواجار نەوهەيە كى نووي.



به تاییه‌تی نا عه‌داله‌تی و نابه‌رایه‌ریه کان که له چوارچیوه‌ی سیستمی کاپیتالیزم و پیاو‌سالار به سه‌ر کومه‌لگادا سه‌پاوه ئه‌که‌ویته به‌رچاویه‌کیه‌تی و ئیتحادی ژنان له بهین براوه‌و شه‌ری نیوان بووك و خه‌سوو؛ تاییه‌قنه‌ندیه‌کانی پیوان پیرۆز کراوه و تاییه‌قنه‌ندیه‌کانی ژن په‌ست و بنئه‌رزش.

ئه‌گهر کچیک له بواهه جیاوازه کاندا سه‌ره‌که‌وتون به‌ده‌ست بی‌نیت ده‌لین ماشاللا وه کوو پیاوه. همه‌موو په‌ند و زوانی ئه‌ده‌بیات و شیعمران پیاو‌سالار و دژه ژن. فکر و جه‌سته‌ی ژن حه‌بسی زه‌نیه‌ت و ده‌سه‌لاتی پیاوه. له بواری ئابووری و سیاسیه‌وه ژنان رولیکی یه‌کجارت که مره‌نگیان هه‌یه. له کومه‌لگای روش‌هه‌لاتی کوردستان‌دا که سیستمی کوماری ئیسلامی به‌پیوه ۵۵ چی؛ هه‌ر له مندالیه‌وه به کچان ده‌وتیری تو ناتوانی؛ و ئه‌وه‌ی پی‌ئه‌دنه قه‌بوقول کردن که پی‌ویسته هه‌میشله که‌سیک بی‌نیت که بی‌پاریزیت و برگری لب‌بکات؛ واته مافی ئینسان بوونی نییه؛ به گشتی ئیراده‌ی کچ تیکه‌شکیت؛ پیکه‌نین؛ به ده‌نگی به‌رزو قسه کردن؛ روش‌تنه ده‌ر به‌تنه‌یا... له کچان قه‌ده‌غه ده‌کری. کچیک به باش ده‌بی‌نیت که به‌و شیوازه‌ی که پیاو و ده‌سه‌لاتی پیاو‌سالاری ده‌یه‌ویت. کاتن به‌وردی چاو له بارود‌دوخی ژنان له ناو کومه‌لگای ئیران و روش‌هه‌لاتی کوردستان بکه‌ین؛ دیاره که ژنان کویله کراون و ئه‌وه‌ش بوقه هوکاری کویله بوونی کومه‌لگا به‌گشتی.

له میزرووی ژن‌دا هه‌یه؛ له ولاتانی ئرووبایی ژنان بو به ده‌ست‌خستنی مافی ده‌نگ‌دان خویان ده‌به‌سته‌ره‌یلی قه‌تاره‌وه؛ لییان ئه‌درادو سووکا به‌تیان بین‌که‌کرا به‌لام به به‌رخودان توانیان مافه‌کانیان به ده‌ست بخه‌ن بین‌گومان ئازادی خواز کاتن ده‌رئه‌که‌ویت؛ که زه‌خت و زور چپتر ده‌بیت.

ژنان و جه‌وانان که دوو کوله‌که‌ی سه‌ره‌کی هیچ‌کات له تیکوشان ده‌ستیان نه‌کیشاوه؛ نه‌موونه‌ی ژنانی وه‌ک شیرین عه‌له‌مه‌وولی که په‌نی سیداره‌ش نه‌یتوانی ئیراده‌ی بشکیتت؛ له ئیستاشادا زه‌نیه‌ب جه‌لایان که به به‌رخودانیه‌کی بین‌هاوتا له زینداندا چوکی بو کوماری ئیسلامی ئیران دانه‌نواندووه.

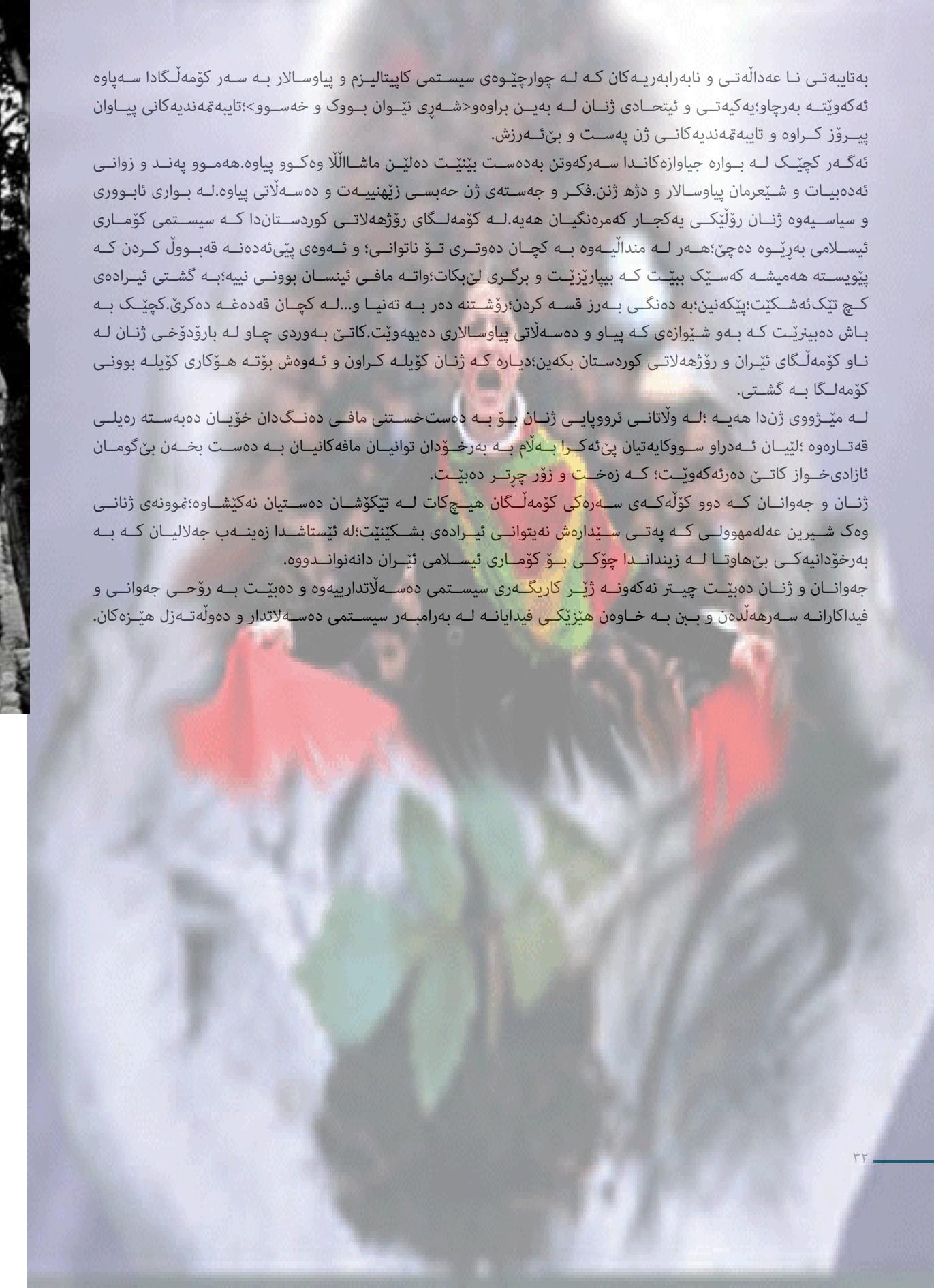
جه‌وانان و ژنان ده‌بیت چیتر نه‌که‌ونه ژیر کاریگه‌ری سیستمی ده‌سه‌لاتداریه‌وه و ده‌بیت به روحی جه‌وانی و فیداکارانه سه‌ره‌لدهن و بین‌به خاوه‌ن هیزیکی فیدایانه له به‌رامبهر سیستمی ده‌سه‌لاقدار و ده‌وله‌تله‌زل هیزه‌کان.



# آرمانِ شرِ من

## سمکوُ دجله

رنه دکارت فیلسوف فرانسوی در حالی که به همه چیز حتی موجودیت خود شکاک بود با به زبان آوردن این جمله که: "من می‌اندیشم پس هستم" شکاکتیش را در مورد موجودیت خود بطرف نمود. با اشاره به این جمله‌ی رنه دکارت میخواهم این پرسش را مطرح کنم که آیا امروزه جوامع با اندیشه و ذهن خود استدلال می‌کنند؟ و یا تا چه اندازه این استدلال آزاد و مستقل توسط ذهن و اندیشه‌ی جامعه پردازش می‌شود تا این که بتواند موجودیت خود را اثبات کند؟ در عصر معاصر مدرنیته‌ی سرمایه داری با بهره‌گیری از از قام ابزارها و اهرم هایی که در اختیار دارد سعی می‌کند که بر اندیشه‌ی قامی جوامع و توده‌های فرو دست تسلط یابد و جامعه را در کنترل خود قرار دهد. بانلاک معقد است که ذهن انسان زمان تولد مانند لوح سفیدی می‌باشد که در طی فرایند زندگی از طریق داده‌های حسی که دریافت می‌کند اندیشه‌ی انسان از همه‌ی بعده‌های هنری -فلسفی- سیاسی- اجتماعی و... شکل می‌گیرد. بر این اساس انسانهای متعددی در تاریخ سعی نموده اند که به این لوح سفید دست یابند. ایسیون کامرون یکی از آن افراد می‌باشد. این روانشناس برجسته برای رسیدن به لوح سفید در بیمارانش با بهره‌گیری از شیوه‌ی شوک درمانی آزمایش های بسیار خشن و دور از اخلاق و مبانی حقوق بشری بر روی بیمارانش انجام داد. در سطحی



kadroyen AKP de çetel rêyan vedike. Hevdîtênê ku di navbera devleta Tirk û hezên desthiladar de mijar sereke ku tê niqaş kirin jî deskeftiyêن gelê Kurd û pêşketinêن ku tekoşîna azadiye di hereme de ava kiriye ye. Plansazîyêن dagirkeran ci dibe bila be çawa sala tekoşîna ku bi Ciwanên Kurd ve destpekir li vir şundatir ji ٤٠ ku tevgera azadî berê ٢٠١٦-٢٠١٥ rihê tekoşîna revêberîyêن xweser didome. Tekoşîna îradeya gelê Kurd sala de bi navê YPS li Bakurê Kurdistanê bi hezar Ciwanên Kurd li hemberî tank u topêن dewlata Tirk berxwedaneke tu cihê cîhane mînak wê nîne şerê hebun û tunne buyine dan meşandin. Li hemberi rejîma faşîst bi rihe Xeyri Durmuşan, Leyla Qasiman, Hemin Bekesan, Alî Çîçekan û Leyla Şaylemezan şer kirin. Careke din diroka azadîya gelan bi nave Çiyageran, Axinan, Rozayan, Zeryanan û Demhatan hate nîsandin ev jî da nîsandan .ku daxwaza azadiye gelan bi destê Ciwanên têkoşer wê were bi dest xistin

گستردە تراز اقتدار جهانی و در قیاس آنها آمریکا برای دستیابی به لوح سفید جوامع و سپس اجرایی کردن اهدافش که رسیدن به بازار و اقتصاد آزاد در اولویت این اهداف قرار داشت. شروع به ایجاد شوک های اقتصادی-سیاسی در جوامع و کشورهای مختلف نمود که میتوان از موج جنگ ها و کودتاها ی که از سال های ١٩٦٠ به بعد در کشورهای در کشورهای امریکای لاتین-شیلی-آرژانتین-برزیل و کوبا و همچنین جنگ معاصری که در خاورمیانه به راه اندخته اند نام برد. اقتدار برای دستیابی به اهداف و حفظ موجودیت خود به جوامع نیاز دارد که در مقابل کنش ها و رویدادهای واقعی قدرت واکنش نداشته باشد. به همین دلیل نیاز دارد که با استفاده از شوک ای بسار قوی ذهن جامعه را مختل و سپس دباره آن را شکل دهی کند. یکی از دلایل این جنگ و تنش ها در جهان نیز میتواند در همین راستا باشد.

یکی دیگر از راهکارهای سرمایه داری و شرکهای اقتصادی فرا ملی برای کنترل اذهان و معرفی کردن جوامع رویارویی نمودن تولیدات و الگوسازی های اقتصادی و فکری-فرهنگی میباشد به همین منظور با ساختن جهانی مجازی و خیالی سعی بر دور نمودن انسان از امر واقع و رئالیته ای زندگی دارند. گونه یی چنین وضعیتی را میتوانیم در کردستان مشاهده کیم. در این برهه ای زمانی حساس و استراتژیک که کوردستان در آن قرار دارد و معادلات سیاسی اقتصادی و اجتماعی با سرعت از سوی دولت های منطقه و اقتدار جهانی در حال اجرا هستند و همچنین سرنوشت ملت کورد ابژکیو وابسته به میزان مشارکت آنها در عرصه ای مبارزات می باشد. متأسفانه بخش اعظمی از جوانان بی توجه به امر واقع کوردستان و موفقیت حساس آن گیج و منگ توسط شبکه های ارتباط جمعی از سوی غرب اداره و جهتدهی میشوند و در جهانی خیالی و کاذبی که توسط صنعت هالیود و یا دیگر ابزارهای آموزشی جمعی برای جوامع زیر دست و توده های محروم ساخته اند زندگی میکنند.

عمق این بحران ذهنیتی را میتوانیم زمانی مشاهده کنیم که کوردستان مورد هجوم وحشیانه ای داعش قرار گرفت و تجاوز و نسل کشی فیزیکی گستردە ای روبه رو شد به طوری که هزاران زن ایزدی در بازارهای موصل و دیگر شهرها به فروش رسیدند و شهر کوبانی و رقا... با قتل و عام روبه رو شد در چنین فضایی که داعش در کوردستان ایجاد کرده بود باز هم بیشتر جوانان در دیگر شهرهای کوردستان و حتی محیط های دانشگاهی به دور مباحثی گرد آمدند بودند که به هیچ عنوان امور واقعی کوردهایی بود که با از خود بیگانگی و دست کشیدن از تمام ارزش-وقایع و رویدادهای کوردستان باشد رسیدن به آرمان شهرهایی بود که نتیجه اش تنها بیماری های روانی آرمانهای اجتماعی و آموزه های اخلاقی و تاریخی خود راهی آنها میشند. راهی که نتیجه اش تنها بیماری های روانی رسیدن به پوچ گرایی ذوب شدن و دور شدن از جوهر و باطن انسانی خود در همین آرمان شهرهای غربی است. همین مسئله خود نمایانگر آن است که طیف عظیمی از جامعه ای کوردستان بخصوص جوانان لوح سفید خود یعنی ذهن و اندیشه ای خود را تسلیم دیگری کرده اند که حوزه ای تفکر آنها را تنها در راستای استسما و استعمار بیشتر خلق کورد و رسیدن به اهداف و سود بیشتر خود استعمارگران کوردستان تعریف میکنند.

فرجام سخن: ظهور داعش در خاورمیانه در راستای پروژه ای بود که اقتدار جهانی (مدربنیتیه ای سرمایه داری) برای ایجاد شوکهای سیاسی شدید در این منطقه از آن بهره برداری نمود. عملکرد داعش در عراق و سوریه و همچنین کوردستان در زمینه های ایجاد رعب و وحشت و نابود کردن داده های صوری با تغیریب آثار تاریخی خانه ها واماکن مقدس در این شهرها بسیار مشابه آزمایش های دکتر کامرون بر روی بیمارانش بود که هدف هر دو پاک کردن ذهن و متوقف نمودن نیروی پردازش و اندیشدن سوژه میباشد به صورتی که توانایی واکنش و دفاع از ارزش ها-آرمانها و مقدسات خود را نداشته باشند و حوضه ای جهانیتی آنها تنها در محدوده ای باشد که خود برایشان تعریف میکند از سویی دیگر در چنین برهه ای تاریخی حساس و استراتژیک تا زمانی که جامعه ای کوردستان لوح سفید یعنی اندیشه ای اجتماعی خود را طبقه هویت اصول و مبانی اخلاقی-اجتماعی که ریشه در عمق همین سرزمین دارد نسازد و پرورش ندهند و با امور واقعی که کوردستان به شیوه ای واقعی برخورد نکنند نمیتوانند در تعیین سرنوشت خود تأثیری داشته باشند. به همین جهت لازم است که جوانان به خط مبارزه بپیوندند و آرمان شهرهایشان را بر روی خرابه های همین سرزمین از نو بسازند.





# BI RIHÊ CIWANÊN TÊKOŞER SERÎHILDE

EZDA BARAN

Desthiladariya navendî li ser herema Rojhilata Navîn gelek planê destwerdane didin meşandin. Piştî şerê cîhanê yekemîn u duyemin di hereme de bi deste hêzen global staratejîya tampon dewlet hate pêk anînîn. Di navbera hezên deshiladar de şerê dewletekî çiqas mezin,çiqas biçuk ango çiqas li gorî berjewendîyane tê meşandin. Ji bo şerê ku heyî gelek fikar u pirs pêş dîkevin. Yek ji van pîrsan eve ku gelo mirovahî ji bo tunne kirina hevdu hatine afirandin ? Bersiva vê pîrsê teqez Na ye. Armanca metingeran, hebuna de tune kirina mirovahiye û binpê .<sup>۲۱</sup> mirovahiye heya roja meya îro bi taybet jî sedsale kirina mafêن jîyane ye. Pêxîrtengîya ku li heremê ji bo gelan buye behreke ji xwîne. Her roj buyerên nu diqewimin, lê armanca ku naguhere desthiladar ji bo daxwaza azadîya gelan bêdeng bikin serî li her rîbazê didin. Rojhilata Navîn de di şexsê Rêberê Apo de li ser hemu gelên heremê tecrît û izolasyoneke pir alî tê meşandin. Di van demê dawî de gelek çalakî ji alîyê gelê Kurd û demokrat ve tê rêvebirin. Li hemberî van çalakiyan heta niha jî tu bersiva dagirkaran nine. Bersiv nedayina CPT jî bi helwesta desthiladar .re wekheve

Dema ku tevgera azadiyê xwe nû saz dikir texminê hêzên desthiladar nîn bu ku ewqas tevgereke mezin ava bibe lê derket holê ku ev kom îro buye pêşengê gelê hereme û giştî mirovahiyê. Gelê Kurd hebuna xwe di şexsê Rêber Apo de dîbinê bi taybet jî jina ku di alîyê hîşmendiya rahîbên zigurat ve hatîye bindest kirin û îro jî rahîbê hemdem ên weke Ruhanî û Erdoxanê ku ji jina re hejmara çend zarakan bîne dîyar dike re çavkaniya jiyana wekhev û azade. Ev dest nîşan kirinê li jor hatîye kirin bi çalakiyên gelê azadîxwaz ve xwe şenber kiriye û dike. Ji ber wê yekê jî gelê Kurd bi çalakiyên xwe dîzayna ku hêzên global dixwazin di Rojhilata Navin de pêk bînîn li hemberî wê buyê hêzeke sereke ku di dîzayna nu de risteke giring digrin ser milê xwe

Di Îranê de rewşa heyî ; komara İslâmî a Îranê bi şerekî dervayî sinorê xwe meşandinê caredin ristaka xwe hereme de dileyze. Bandor buyina gel a pêşketinê li Başurê Kurdistanê di dewleta Îranê de hewildanê qirêj ve xwe dide pêş. Îran di hereme de bi navêن cuda şer dide meşandin. Êrîşen ku li Rojavayê Kurdistanê çê dibe, Îran jî weke Tirkîyê li Rojava li hemberî gelê Kurd şer dike. Erdheja ku wê dawiyê li Rojhilat û Başurê Kurdistanê de çebuye careke din da nîşandan ku li ser gelê Kurd polîtikayê çawa tê meşandin. Gelê Rojhilatê Kurdistanê bi taybet jî Kırmaşanê di buyera ku erdhejede hatîye jîyan kirin de dîd ku Îran bi polîtikayê xwe ye qirêş ve, nesîbe xwe ji mirov buyine negirtiye. Windahiyê ku çebuye tê weşartin. Di henek çavakniyan tê gotin ku termêن kesêن ku jiyana xwe dest dana bi pereyan ji bo malbatê van tê firotin. Kiryarêن mirov asta mirov dide nîşandan. Komara İslâmî a Îranê bi çekên nukleerî çê kirinê ve aliyê çekdari ve bi hez buyina xwe dixwaze di aliye nav netewî de bide nîşandan. Pewîste gelê me ye Rojhilatê Kurdistanê bi taybet jî ciwan li hemberî van polîtikayê dewleta Îranê xwe bi rîexistin bikin bi vî şîklî dikarin polîtikayê komara İslâmî a Îranê vala derbixin

Hevdîtinê di navbera dewletan de plansazîyêن încar u îmhaye bi kiryarêن nu ve şenber dike. Rojhilata navin de gele Kurd ji bo azadiya gela buye hevî û baweri. Di hereme de gelên bindest ol,bawerî,çand û netew çi dibe bila be xwe di nava sisteme modernîteya demokratik de dibîne. Lê destkeftiyêن ku tevgera azadiye ji bo gelê Kurd sala de di berdela tekoşîneke bêhempa de bi destxistiye, ji aliye hêzên hevkar ve ji . bo berjewendiyê eşîretî û malbatî hate şixulandin. Daxwaza serxwebuyina gele meyî an KDP bi Saddam re hevpeymanek li<sup>۱۱۱</sup> Başurê Kurdistanê gelek bi rumete. Sala hevalê wê pişt perdeya wê . ser xweseri ya Başurê Kurdistanê pêşsist. Leyla Qasim u hevpeymanê baş fem kirin. We demê Ciwanên Kurd bi çalakîyeke wêrek ne razîbuyina hevale . xwe dan nîşandan. Le rejîma diktator a Saddam Huseyîn Leyla Qasim u wê sê dare kirin . Lê dare sêdarê jî Leyla Qasim ne de tirsandin, bi siruda Ey Reqîp hezên deshiladar re bu bersiva Ciwanên Kurd. Careke din hêzên statukoparez li Başurê Kurdistanê bi deste hevkarên heremî daxwaza gelan li gorî berjewendiyêن xwe e îlone hate lidarxistin u rewşa Başurê Kurdistanê<sup>۲۰</sup> bikaranîn. Referandumu ku îsal anaha bu kurbana partîyen ku li rihe netewbuyinê durin. Metîngeh dixwazin di hereme de îradeyeke bi kontrol ava bikin. Wisa nîşandan ku henek hêz ji bo referandumê pîştgiriye didin hikumeta heremî lê kesêن ku kêm be jî sîyaseta desthildaran fêm bike wê bizanibe ku desthiladar kontrola Rojhilata Navin bi taybet ji Kurdistanê ji bo xwe .ser pîyan bigrin kirine armanc

Li Bakurê Kurdistanê rejîma AKP-MHP di faşîzme de sînorêن xwe derbas dike. Cîh u warêن ku navê Tirkan jî le nîne dixwaze dagir bike. Erdoxanê ku xwe weke Fatîhê ïlan kiriye bi xeyalê sinorên bere împaratoriya Osmaniyan hilweşe êrîşê .<sup>۲۱</sup> sedsala dervaye sînora jî dike. Erdoxan hewildanê ji bo dagir kirina Îdlib u Rojavayê Kurdistanê de asta dagirkiriyê çiqas biliind kiriye dide nîşandan. Ji bo van êrîşan jî mubah bike jî bi medya ya ku di bin xizmeta xwe de bikar tîne. Çapemîya buye berdevke xwînrêjan, heman demê plansazîyê dagirkiran re bingeha dagirkirine ava dike. Hinceta dagirkirinê jî, di deme Osmaniyan da ev ax dîbin desthiladariya Osmaniya da buye. Le gotineke pêşîyan heye dibeje "dema ku çu li dimyade birince, savara ku li malê jî mehrum bu" . Di wê gotina pêşîyan da ji tê fêm kirin ew kiryerên koaslîsyona AKP-MHP wê bibe dawiya wan. Gel li kijan dewanê îradeya xwe bide nîşandan tehemmula desthiladara ji bo wê nîne. Erdoxan demê desthiladariya xwe yê dawiyê jîyan dike. ji bo desthiladariya xwe winda neke kadroyen xweyên bere tek tek diguhere. Ji ber ku e sale AKP dide meşandin ber bi belavbuyîne ve dike. Ev di nava <sup>۱۰</sup> Desthiladariya

Ji ber ku ew têgihîştin hatiye avakirin ku yên ku wê biparêzin heye. Yan bave yan biraye yan jî hevjînek heye ku jinê biparêze. Dema ku rastî erîşê tê jî mirov dibîne ku ew kesên ku qaşo parêzvanê wêne ve tê. Wê demê mirov dikare bêje ku ev dereweke mezin ya aqlîyeta pîyawsalare. Yanî jinek çi dibe bila bibe di bin tasarrufa pîyawekîdye. Eger bixwaze wê hezbike eger ne xwazejî wê lê bide yan jî wê bikuje. Ew dem çima ev yek were qebulkirin? Rêber Apo dibeje ku gulek jî parastina wê heye. Dirkên wê, parastina wê ya cewherî nîşan didin. Ango di cewherê hemu zînduwarande hêza xwe parastinê heye. Ev, ji bo jinan ji bo jinêni ciwan jî derbasdere. Herî zêde jî ji bo jinêni ciwan derbasdere. Bi mezinbûn û pêşketina tekoşîna azadiyê bi taybet jî tekoşîna azadiya jin,jinêni kurd, yên ku di asteke mirov de jî nedihat hesibandin çiqas pêşketinek avakir û bû emsal ji bo hemu jinêni bindest edî hemu cîhan dibîne. Jinêni ku tevlî tekoşîna azadiyê bûn xwe rêexistinkirin,xwe perwerdekirin û bûne pêşengê tekoşîna azadiyê. Ne tenê tekoşîneke giştî tekoşîneke ku azadiya jinê bi awayekî rasteqîne pêşdixê dimeşînin. Hem ji bo azadiya xwe hem ji bo azadiya gelê xwe, hem jî ji bo azadiya hemu gel û jinêni bindest tekoşînê dimeşînin bi deh hezaran jinêni ciwan. Di nav tekoşîna azadiya jin de jinêni ciwan behsa sepandin û zextêni li ser xwe nakin edî,ew behsa pêşketinê xwe yên azadiyê



dikin. Ew mafê xwe yê xwe parastinê tahvîlê kesekîtir ango zilamekî din nakin,ew bixwe xwe diparêzin û civaka xwe gelê xwe diparêzin. Ew hem dibin lêgerîvan û pêkhênerê xeyalêni xwe hem jî yên gelê xwe. Jiyanekê bi rumet û serberz jîyan dikin. Çawirwanêni wê nînin ku pîyawek yan jî dewlet wan biparêze. Ew bixwe bi îrade û bîryara xwe jiyana xwe avadikin û xwe diparêzin jî. Vê hêza xwe ya cewherî roj bi roj keşîf dikin û pêşdixin. Jinêni ciwan hem xwezaya xwe nasdikin hem hêza xwe dibînin hem jî dikevin wê ferqê ku tekoşîna azadiyê çiqasî îradeyeke xurt û zanabûneke kur dixwaze. Di nav civakêde ji jin re tê gotin ku pewîst nake ew zanabe yan jîbihêzbe, ew çarenusa xwe qebul bike û li gorî vê jiyana bike bese. Lê belê di nav tekoşîna azadiyêde ya ji jin tê xwestin pewîst ya ku herî zêde zana û bîhêzbe. Ji ber ku ew tenê ji xwe ji azadiya xwe ne berpirsiyare ji civaka xwe jî berpirsiyare. Felsefe û ramanê Rêber Apo jinêni ciwan û tevahî jinan bi fikrê azadî ya rasteqînere da nasandin. Berovajîyê sîstema kapîtalîst azadiya rasteqîne ne azadiya takgere,azadîya komunal e. Ji ber ku ya ku bixwaze azad bibe pewîst civaka xwe jî azad bike. Eger wiha nebe mirov nikare behsa azadiyeke watedar bike. Ev yek di

destpêkêde jî ji bo tekoşîname ya azadî ya rojhilatê Kurdistanê derbasdar e. Di rojhilatê Kurdistan û Îranê de bi dehhezaran jinêni ciwan di nav lêgerînen jiyanekê alternatifdene. Ev mafekî herî xwezayîye. Ji ber ku hîc jinek ciwan ne mahkumê jiyanekê ku têde tê kuştin û tê destdirêjî kirin û bê ziman tê hiştinê bijî. Jiyanekê alternatif gerandin û xwe ji jiyana heyî rizgarkirin mafê her jinekî ciwane. Bi giştî li rojhilata navîn lê belê herî zêde jî li rojhilatê Kurdistan û Îranê qadêni jiyânê li jinêni ciwan tê tengkirin û ew mahkumê jiyanekê koletî têne kirin. Bi kiryarêni şerîfatî,bi zewacêni sipî,bi besîckirina jinêni ciwan civak di bin bê exlaqî û bê rumetîde tê hiştin. Li ser jinêni ku dawayê mafêni xwe dikin jî her şewaz erîş têne meşandin û ew di nav civakêde wekî bêexlaq têne teşîhî kirin. Ev bi giştî rîbazê hemu desthilatdaranye. Rejîma Îran herî zêde ji jina hatî rîexistinkirî û ya ku tekoşînê dimeşînê,li berxwedide ditirse. Ferînaz Xusrevanî ya hatî kuştin,Şîrîn Elemhulî ya ku hatî darvekirin, Zeynep Celâliyana ku hatî zîndanî kirin encamên van tirsên wanin. Lê belê çiqas bi tirsê û bi hovane erîş jî bike ew nikare pêşîya lêgerîn û pêkanîna jiyana azad bigrin. Ji ber ku li Rojhilatê Kurdistanê jî edî jinêni ciwan hişyar bûne û roj bi roj berê xwe didin refen tekoşîn û berxwedanê. Destanêni qehremanî yên jinêni Kurd roj bi roj zêdetir bala jinêni ciwan dikşîne. Edî dost û dijmin herkes dizane ku jina Kurd ya bi rumet ji bo çi şer dike. Ew polîtîkayêni ku hewldidin jinêni şoreşger piçuk bixin roj bi roj puç û vala tênerxistin. Ji ber ku bi fîkr û felsefa Rêber Apo di serî de jin, bi giştî civaka Kurd û hemu civakêni bindest zanabûne. Rêber Apo asta zanakirinê wekî projeyeke sed salî bi navê jîneolojî hemu sînoran derbaskir. Lewra mafê xwe parastinê di destpêkêde ji bo jin wekî zarurî diyarkir. Ji ber ku kî dibe bila bibe yê ku destpêkê hebûna xwe nikaribe biparêze nikare qet tiştekî din jî bidestbixe. Ji ber vê yekê di serîde jinêni ciwan yên li rojhilatê Kurdistanê pewîste destpêkê ji bo xwe parastinê,rêexistin bibin,bikevin ferqa hêza xwe ya cewherî û rîya tekoşîna azadiyê hilbijêrin. Jinêni ciwan yên li zanîngehandene,yen li kargehandene,yen di dibistanandene û yên di malandene hemu pewîste rîya azadiyê wekî tekane rîya jiyanekê bi rumet û bextewer bibînin û hem ji bo hebûna xwe hem ji bo hebûna gelê xwe berpirsiyartiyê xwe bicîh bînin. Ji ber ku civakek azad,yeksan,exlaqî û demokratîk bê tekoşîn nabe. Destpêkê jî ji bo jiyana xwe bîryara jiyanekê ji nu de bidin .û SER HILDIN



# JINÊN CIWAN

## BI PARASTINA CEWHERÎ

### SERÎ HILDIDN



#### SOZDAR FERAŞÎN

Miroveyatî û bi giştî hemu zindî û xweza pewîstî bi qandî jiyankirinê bi xwe berdewam kirin, li ser vî esasî bi xwe parastinê dibînin. Ji ber ku li gel girîngiya jiyanê li ser esasê hebuna xwe berdewam kirin, xwe parastin jî beşeke jiyanê diyar dikeye. Her çiqasî di serdema em niha jiyan dikinde qet wateyeke jiyanê nemabe û mafê hemu zindiyan di serîde mirovan yê xwe parastinê ji hêla desthilatan ve hatibe desteserkirin jî ev yek rewabûna vî maffî ji holê ranake. Hatta mirov dikare bêje ku ev ne mafeke ji ber ku ev di tabîata hemu zîndiyande ji afirandina wan ve heye. Zindibûyîn û hebun çiqasî ne mafek, tabîateke, ji bo xwe berdewamkirin xwe parastin jî ewqasî parçeyek ji tabîatêye. Lê belê mixabin di vî serdemê de ev mafê xwezayî di serîde ji bo mirovan, ji bo hemu zindiyan tê desteserkirin. Mafeke wekî jiyanê, pewîste di bin tasarrufê hîc hêzekî yan jî beşeke civakê de nebe. Ev yek li dijî qanuna afirandina jiyanêye. Çawa ku hîc zindiyek li ser zindiyek din re nînbe, di nav xwezaya civakêde jî hîc beşek yan jî netewek li ser yeke din re nîne. Lewra hîc kesek xwedî mafê diyarkirin yan jî metirsî avakirina li ser jiyanan kesekê din nîne. Her kes xwedî mafê xwe parastinêye. Her zindî bi vê hişmendî û îradeyê hatiye afirandin. Lê belê dema em temâşeyî roja meya îro dikin di hemu civakande bê par hiştina vê heqîqetê dibînin. Bi taybetî jî di rastiya jin de em herî zêde rastî vê yekê tê. Ango ya herî zêde ji mafê xwe yê parastinê hatî bêpar hiştinê dibînin. Ya ku herî zêde bi çavekî wekî lawaz, bêhêz, bê îrade tê temâşekirinê ye jin. Jin di avabûna miroveyatî û di avabûyîna civakbûyînêde xwedî roleke pir mezin û sereke bûye. Civaka xwezayî dîroka herî dirêj ya mirovayetiye.

î li vir derbaskiriye. Di vê dîroka dirêjde jî ya ku civak ١٨ Miroveyatî jiyanan xwe ya ji sedî rêxistin dikir û bi rêvedibir jin bû. Bi erîş, şer û zextên hezaran salan, ev nirxên civakê ji destê jinê hatiye standin. Bi erîşa li ser jinê re erîş li ser civakê hatiye pêşxistin. Bi bê îradekirin û çewîsandina jinê, bê îradekirin û çewîsandina civakê jî pêşketiye. Civak penase xwe ya xwezayî û cewherî di jinê de didît. Lê dema ku ew hêza rêvebirin û parastinê ji destê jinê hate girtin ji destê civakê jî hate girtin. Bi bê parastin hiştina jinê ve civak jî bê parastin hate hiştin. Bêguman ev yek wisa ji nişkade çênebuye li beramberî desthilatdarî û feraseta zilamsalarî jin, tekoşîneke bi hezaran salan daye. Di rojameya îrode jî mirov dikare bêje ku ew jinê ku di tevgera azadî de tekoşînê dimeşînin şopdarê wê çanda berxwedanê ye ku hate roja me ya îro hatiye. Pergala zilamsalar ya serdest ji paşerojê hate roja me ya îro xwe bi polîtîkayên curbecur kurtir kir û zext û erîşa li ser jin û civakê ji fizîkî bigrin ta fîkrî û ruhî berfireh kir. Yanî tenya erîşeke fizîkî nîne ya ku tê pêşxistin. Bi erîşeke îdeolojîk ve civak ji her hêlê ve tê hedefkirin. Bêguman dema mirov temâşeyî taxrîbatê vê ferasetê dike mirov dibîne ku ya herî zêde zerbe dixwe û ji cewhera xwe tê durxistin jin e. Jin di her helî de ya ku herî zêde rastî erîşan tê ye. Ya ku di bin navê hezkirinê de tê qetikirin, ya tê tecawuz kirin, ya bedenê wê hemu di bazaran de tê firoştin, ya ku mirov jî naye hesibandin jin e. Navê wê di dîrokê de ya ku wekî miriyekî hatî veşartine. Ne fîkrê wê tê nasîn, ne hebûna wê wek mirovek tê hesibandin e. Ruxmê .vî jî di dîrokêde ya herî zêde li berxwedayî jî jin e

Bi nasnameya xwe ya hem jin û hem jî ciwantî di nav pergâlêde ya herî zêde tê çawisandin jî jinê ciwanin. Bi dînamîzma xwe ya ciwantî û bi xulukkarîya xwe ya jînbûyînê ya herî zêde dikare ji civakê re pêşengtî bike ye. Jinê ciwan di nav pergâlê de ya herî zêde rastî îstîsmaran, destdirêjiyan, kuştinan, tundutujiyan tê ye. Ya ji hêle bavê xwe, birayê xwe hezkiriyê xwe ve tê kuştin û tê tepisandinêye. Pergal geh bi sepandinê şerîatî geh bi polîtîkayê kapîtalîstî li ser jinê ciwan curbecur lîstokan pêktîne. Di hîc qadeke jiyanê de jinê ciwan nikarin rehet tevbigerin û xwe ifade bikin. Ji ber ku ya ku pewîste ji her kesî şerm bikeye, ya ku pewîste bê ziman bê ye, li gorî pergâlê ya ku pewîste bi aqîlbeye. Ya ku çiqas bêdengbî û bêhêzbe ewqas tê qebulkirinêye. Em gelek caran di nav civakêde rastî vê yekê tênu ku jinek, jinek ciwan eger li beramberî tiştekî nerazîbûyîna xwe diyar bike yan jî ji tişteke ne rast bibînêre îtîraza xwe diyar bike yan jî hindekî derveyî pîvanen ku civakê jê re diyarkirî tevbigere, ji wê re tê gotin ku ew jineke ne baş e. Li gorî kî û li gorî ci ew ne başe yan jî derveyî pîvane pewîste mirov bipirse. Ev şêwazê sepandinê jin û jinê ciwan kişandina xeta xwe ye ango kişandina pîvanen feodalî û kapîtalîstîne. Ji ber ku jinek tenê dikare li gorî pîvanen aqlîyeta zilamsalarî tevbigere. Eger li derveyî vê be ew mahkumê wê ye ku li ser wê zext û her cure erîş were meşandin. Eger li derveyî van pîvanan jiyan bike yan jî tevbigere ew yekser 'bênamus' tê îlankirin. Ji ber vê yekê jî pewîste ew li gorî van pîvanen pîyawalar bijî. Bêguman ev pîvanana nê pîvanen rasteqîne yên exlaqîne. Ev pîvanen ku çawa jinek ciwan ji cewherê xwe dûr werê xistin û werê kolekirininêne. Eger ev sepandinâ tund di serîde li ser jin nebe ma wê civak çawa werê kontrolkirin û kolekirin? Wekî Rêber Apo dibeje pergâl ji bo civakekê bixe ango kolebike destpêkê jinê dixe, koledike. Dîsa ji bo ku civak werê azadkirin pewîste destpêkê jin werê azadkirin. Ev rasteqîneyeke. Jin orjîna ango navenda civakêye. Ya ku civakê avadike, perwerde dike, hişmendiyê dide avakirin jin e. Ji ber vê jî destpêkê pewîste jin werê perwerdekirin û werê zanakirin. Herî destpêkê jî ev yek ji bo jinê ciwan derbasdare. Ji ber ku jinê ciwan hem xwedî hêza xwe perwerdekirinêne hem xwedî hêza civak perwerdekirinêne, hem jî xwedî hêza civak parastinêne. Her çiqasî beşa civakê ya herî zêde hatî cilmisandî û bêhêz hatî hiştin jî be jinê ciwan beşa civakê ya ku herî zêde bihêze. Jixwe ji ber vê yekê di vê astêde zext û erîşek li ser tê meşandin. Hem cahil tê hiştin hem bê parastin tê hiştin.



*Barana hestên min  
Wek taviya barana biharê ye  
Meluliya hestên min  
Weke kel u giriya zarokan e  
Azadiya hestên min  
Wek azadiya nava baskên kevokê ne  
Strana hestên min  
Wek dengê bilbilê li ser gulan e  
Serbilindiya hestên min  
Wek bilindiya cudi u gabare  
Evîna hestên min  
Wek evîna Derweş u Edulê ye  
Diroka hestên min  
Wek diroka roja AZADE...*

**SEHİD HİWA**



*Zarokên bi hêvî u xeyal  
Dibe ku em qet nebinin  
Mîna yên berîya me*

**Azadiya**

*Em di oxira wêde ser dikin  
Dikevin zîndanın  
Lê em dizanın kâ  
Wê bimere di zibe rojan de bikenin*

**Zarokên welatê me.**

**SEHİD HEMİN**



# JÎLEMO5

Govarî hizri, siyasi, komelayeti û kultûri  
KOMELGAY CEWANANî ROJHELATî KURDISTAN  
KCR